



سلسله مباحث مهدویت

دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

علی اصغر رضوانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رضوانی، علی اصغر
دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر / تألیف علی اصغر رضوانی. - قم مسجد مقدّس
صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۸۵.
۸۰ ص.
ISBN 964-973-021-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات قبیا.
۱. مهدویت. ۲. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم. ۲۵۵ق. - الف، مسجد جمکران.
ب. عنوان.
BP ۲۲۴/ ۵۶۵۸
کتابخانه ملی ایران
۹۳۷۹/۴۶۲
۱۸۳۶۹ - ۸۵م



کتابخانه ملی ایران

- | | | |
|--------------------------|---------------------------------|--------------|
| <input type="checkbox"/> | دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر | ■ نام کتاب: |
| <input type="checkbox"/> | علی اصغر رضوانی | ■ مؤلف: |
| <input type="checkbox"/> | امیر سعید سعیدی | ■ صفحه آرا: |
| <input type="checkbox"/> | انتشارات مسجد مقدّس جمکران | ■ ناشر: |
| <input type="checkbox"/> | تابستان ۱۳۸۵ | ■ تاریخ نشر: |
| <input type="checkbox"/> | اوّل | ■ نوبت چاپ: |
| <input type="checkbox"/> | سرور | ■ چاپ: |
| <input type="checkbox"/> | ۳۰۰۰ جلد | ■ تیراژ: |
| <input type="checkbox"/> | ۳۵۰ تومان | ■ قیمت: |
| <input type="checkbox"/> | ۴ - ۲۱ - ۹۷۳ - ۹۶۴ | ■ شابک: |

- | | | |
|--------------------------|---|--------------------|
| <input type="checkbox"/> | انتشارات مسجد مقدّس جمکران | ■ مرکز پخش: |
| <input type="checkbox"/> | فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران | |
| <input type="checkbox"/> | ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ | ■ تلفن و نمابر: |
| <input type="checkbox"/> | ۶۱۷ | ■ قم - صندوق پستی: |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

تألیف: علی اصغر رضوانی

فهرست مطالب

مقدمه ناشر	۹
پیشگفتار	۱۱
۱ - مهدویت راه‌گشا به آینده بشریت	۱۴
۲ - شناخت آرمان‌های اسلامی	۱۴
۳ - ایجاد روحیه امید در سطح جامعه	۱۷
ضرورت امید	۱۸
اقسام امید	۲۱
امید به آینده‌ای درخشان با عقیده مهدویت	۲۱
الف - فرهنگ عاشورا	۲۲
کنفرانس تل آویو	۲۳
ب - انتظار سبز	۲۵
۴ - هر زمان احتمال فرج است	۲۹
۵ - زمینه سازی برای ظهور	۳۰
۶ - ضرورت معرفت امام زمان (عج)	۳۱
۷ - تقریب بین مذاهب و ادیان	۳۲
۸ - طولانی بودن مدت حکومت حضرت مهدی (عج)	۳۳

۳۴	مفاد روایات.....
۳۴	روایاتی از نوع اول.....
۳۴	روایاتی از نوع دوم.....
۳۵	توجیه روایات.....
۳۵	۱- ترجیح روایات هفت سال.....
۳۶	۲- حمل روایات به مرحله حیات و حکومت.....
۳۶	۳- حمل بر مراحل شدت و ضعف.....
۳۷	بحث از مهدویت از دیدگاه اهل سنت.....

مهدویت؛ عامل وحدت

۴۱	مقدمه.....
۴۲	موارد اتفاق.....
۴۲	مورد اول: اتفاق بر اصل قضیه.....
۴۳	سخنان عالمان شیعه.....
۴۳	۱. شهید صدر.....
۴۴	۲. شیخ محمد رضا مظفر.....
۴۵	کلمات علمای اهل سنت.....
۴۵	۱. حافظ ابن حجر عسقلانی.....
۴۵	۲. قاضی شوکانی.....
۴۶	۳. ابن حجر هیتمی.....
۴۶	۴. غلامه مناوی.....
۴۶	۵. تفتازانی.....
۴۷	۶. قرمانی دمشقی.....

۴۷	۷. مبارکفوری
۴۸	۸. برزنجی
۴۸	۹. ابن تیمیه حرانی
۴۸	۱۰. سید احمد زینی دحلان
۴۸	۱۱. أبوالأعلیٰ مودودی
۴۸	۱۲. أبوطیب قنوجی
۴۸	۱۳. دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی
۴۸	۱۴. شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد
۴۸	۱۵. شیخ عبدالعزیز بن باز
۴۸	مورد دوم: اتفاق بر وجوب اعتقاد به امر مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۹	الف) نقل سخنان علمای شیعه
۵۱	ب) نقل عبارات علمای اهل سنت
۵۳	مورد سوم: اتفاق بر فراگیر بودن دعوت و حکومت او
۵۳	الف) دولت جهانی در قرآن کریم
۵۴	ب) دولت جهانی در روایات
۵۵	مورد چهارم: اتفاق بر این که مهدی <small>علیه السلام</small> از اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> است
۵۶	مورد پنجم: اتفاق بر این که لقب او «مهدی» است
۵۷	مورد ششم: اتفاق در برخی از
۵۷	اوصاف شخصی آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۵۸	مورد هفتم: اتفاق بر برخی از علائم ظهور
۵۸	الف) برپایی دولت اسلامی
۵۹	ب) برپایی دولت مخالف

- مورد هشتم: اتفاق بر اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت علیه السلام ۶۱
- مورد نهم: اتفاق بر اصلاح امر او در یک شب ۶۳
- مورد دهم: اتفاق بر بیعت کردن با او بین رکن و مقام ۶۵
- مورد یازدهم: اتفاق بر این که عالم را پر از عدل و داد می کند ۶۵
- مورد دوازدهم: اتفاق بر توسعه اقتصادی در عصر ظهور ۶۷
- مهدویت و مؤلفان فریقین ۶۹
- الف - تألیفات اهل سنت ۶۹
- ب - تألیفات علمای شیعه قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام ۷۴
- سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت ۷۷

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، در صدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، بر آن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حق جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات
مسجد مقدّس جمکران
حسین احمدی

پیشگفتار

عده‌ای بر این باورند که طرح و بررسی موضوع مهدویت در عصر غیبت امری بی‌فایده است، زیرا این موضوع مربوط به آینده بشر است و رخدادهای آینده، امری مجمل و مبهم است. اما آنچه وظیفه ماست این که به وظایفمان در عصر و زمان خود عمل کنیم، چون هر عصر و زمانی مقتضیات خود را می‌طلبد و از آن جا که ما در عصر و زمان آینده نیستیم، درباره آن هم وظیفه‌ای نداریم.

دکتر عَدَابِ مُحَمَّدِ الْجَمَشِ در این زمینه می‌گوید: «فالمسلمون اذن في امس الحاجة الى مراجعة انفسهم و مراجعة فكرهم السياسي والاقتصادي، فمخلصهم و مخلص الانسانية كلها قد ظهر، و لو قدر ان يظهر في آخر الزمان منقذ جديد، فلن يكون اكثر من رجل عظيم من جملة عظماء كثيرين انجبتهم هذه المدرسة النبوية الشريفة، و لا اظنه اعظمهم، فانتظار هذا المنقذ على هذه الصورة التي تبدو في كتابات الكاتبين و مقولات المنتظرين، اراها غير منسجمة مع هذا التصور الصادق الذي ابرزت.

وليت شعري اينتظر المسلمون الف سنة، وربما الفين ليتحقق لهم هذا العدل سبع سنين او تسع سنين، ثم ماذا؟ ثم لاخير في العين بعده؟ ان امة

تنتظر من عمرها في الحياة كلها سبع سنين او حتى سبعين سنة من العدل والرحمة لاتكون امة عالمة بدينها وبالسنن الالهية التي تقوم الدول والحضارات او تنتهي على وفقها.

وبدلاً من طباعة (۷۵۰) کتاباً عن (المهدى المنتظر) كان يلزمنا ان نبحث عن هذه السنن، ثم نقننها ثم نربّي جيلاً من الناس عليها، حتى تقوم على اكتافهم حضارة ربانية يمكن أن تستمرّ اجيالاً لابضعة سنين. والله المستعان»^۱ «مسلمانان هم اکنون احتیاج می‌رند تا به خود بازگشته و به فکر اوضاع سیاسی و اقتصادی خود باشند؛ زیرا نجات دهنده و منجی انسانیت به تمام معنا ظهور کرده است. و اگر فرض شود که در آخرالزمان منجی جدیدی ظهور کند بیش از این نیست که او مردی بزرگوار از جمله بزرگان بسیاری است که مدرسه شریف پیامبر او را تربیت کرده است، و گمان نمی‌کنم که او بزرگ‌ترین آنان باشد. لذا انتظار این منجی به این صورت که در کتاب نویسندگان و مقالات منتظرین دیده می‌شود به نظر من با این تصویری که ذکر کردم سازگاری ندارد. و ای کاش می‌دانستم که آیا باید مسلمانان هزار سال و چه بسا دو هزار سال باید به انتظار بنشینند تا آن منجی این عدل را در مدت هفت یا نه سال پیاده کند؟ سپس چه می‌شود؟ دیگر بعد از آن خیری نیست؟ امتی که برای هفت سال یا حتی هفتاد سال این همه سرمایه‌گذاری می‌کند تا عدل و رحمت در آن تحقق یابد امتی نیست که به دین خود عالم بوده و به سنت‌های الهی که قوام دولت‌ها و تمدن‌ها به آن وابسته است عالم باشد. باید به جای این که ۷۵۰ کتاب درباره مهدی منتظر

نوشته می‌شود از این سنت‌ها بحث کرده و سپس آن‌ها را به قانون تبدیل نمود تا با آن‌ها عده‌ای را تربیت کرد و این افراد در صدد تربیت دسته‌هایی از مردم باشند نه این‌که برای چنین سال سرمایه‌گذاری نمود.»

فهم آینده، یعنی به دست آوردن تصویری از وضعیت‌هایی که در آینده تحقق پیدا می‌کنند از آن جا که این وضعیت‌ها بستر عمل فرد هستند بنابراین، تصویر مزبور در عمل امروز ما دخالت دارد. هر عملی که مرتکب می‌شویم در مرحله‌ای به تصویری که از آینده داریم ربط پیدا می‌کند، و از آن فراتر بدون تصویری از آینده، اعمال ما صورت نمی‌گیرد. «جیمز دی تور» معتقد است:

«یکی از مأموریت‌های آینده پژوهی این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده محک زده و شفاف نماید تا کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند بهبود یابد. دیگر آنکه آینده پژوهی در صدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدام‌های خود را از حدّ کوشش‌های فقط منفعلانه فراتر برده و بکوشند تا آینده را پیش بینی کرده و سپس بر پایه پیش بینی‌های درست‌تر طرح‌های عملی خود را اجرا کرده و به پیش ببرند. این فقط گام اول آینده‌نگری است. گام بعدی ایجاد تصویرهای مثبت از آینده و اقدام به طرح ریزی و تصمیم‌گیری بر اساس آن تصویرهای مثبت است...»^۱

پاسخ ما این است: بحث و بررسی از آینده درخشانی که در انتظار بشر است نه تنها بی‌فایده نیست بلکه آثار و فواید بسیاری بر آن مترتب است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. جیمز دی تور، آینده پژوهی، رهیافت، شماره ۲۰، ص ۱۰۵.

۱ - مهدویت راه‌گشا به آینده بشریت

مرحوم شهید مطهری می‌فرماید: «آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از این که الهام بخش ایده و راه‌گشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی...»^۱

امروزه در تمام جوامع بشری و کشورهای جهان مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در خصوص مسائل استراتژیک تأسیس شده تا با ترسیم آینده، منافع خود را بر اساس آن استوار کنند و با پیشرفت روز افزون جایگاهی عظیم در میان جوامع داشته باشند. اسلام، خصوصاً مکتب تشیع خط مشی خاصی را برای آینده بشر ترسیم کرده که اگر مسلمانان، بلکه تمام مردم عالم بر اساس آن حرکت کرده و در راه رسیدن به آن هدف بکوشند، به سعادت و کمال و نجات از ظلم و بی‌عدالتی خواهند رسید.

بحث از مهدویت در حقیقت بحث از آینده درخشانی است که اسلام برای جامعه بشریت ترسیم کرده است.

۲ - شناخت آرمان‌های اسلامی

همو نیز می‌فرماید: «این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان بینی اسلامی است، برخی فرهنگی

۱. قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۷.

و تربیتی است، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی، یا انسانی طبیعی است.»^۱

ادیان الهی و بخصوص اسلام، با ظهور خود از ۱۴۰۰ سال پیش، آرمان‌هایی را برای رسیدن بشر به سعادت و رفاه و رهایی از ظلم و بی‌عدالتی در سطح تئوری ترسیم کرده و انبیای الهی، به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای او در صدد پیاده کردن این تئوری در سطح جامعه بوده‌اند، اما در حدی محدود، زیرا بشر اگر چه قابلیت رسیدن به کمال و سعادت و فضایل عالی اخلاقی را دارد، ولی هنوز این قابلیت به فعلیت نآمده نرسیده و تنها در عصر ظهور است که بشر می‌تواند در سایه رهبری الهی پیاده کننده دکتترین مهدویت و پیروزی حق و عدالت بر ظلم و ستم باشد. در آن عصر و زمان است که آرمان‌های اسلامی عملاً پیاده می‌شود و کشتی پرتلاطم بشر به ساحل امن و امان لنگر می‌اندازد. از همین رو انبیای الهی و در رأس آن‌ها پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیایشان طراح و تئوریسین مدینه فاضله و نسخه سعادت بخش جامعه بوده و در حدود خود با قابلیت‌هایی که بشر در طول تاریخ از خود نشان داده در صدد اجرای آن بوده‌اند، اما تنها عصر و زمانی که این طرح به طور کامل اجرا خواهد شد عصر ظهور است، لذا می‌بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان شیعه کیفیت امامت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور و موقعیت مردم در عصر آن حضرت را به خوبی ترسیم می‌کنند تا با برنامه ریزی و زمینه سازی در راستای اهداف آن آرمان‌ها، بشر هر چه زودتر به مقصد نهایی نائل گردد. پس

در نتیجه بحث از آرمان‌های قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام بی‌فایده نبوده، بلکه الهام بخش و راهگشای آینده است.

این نوید همان گونه که مرحوم شهید مطهری می‌فرماید - ارکان و عناصر مختلفی دارد، از قبیل:

الف) فلسفی و جهانی، که جزئی از جهان بینی اسلامی است، زیرا یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب حضرت مهدی علیه السلام رسیدن به عبادت به مفهوم عام یا عدالت به معنای وسیع آن است که در بحثی مستقل به طور مفصل به آن اشاره کرده‌ایم.

ب) فرهنگی تربیتی، که برای بشر امروز می‌تواند الگوی خوبی در راه رسیدن به آن‌ها باشد.

ج) سیاسی، که با کاربردی کردن آن عناصر در مسائل سیاسی و حکومتی امروز، می‌تواند حکومت‌ها را زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام قرار دهد.

د) اقتصادی، که با پیاده کردن آن در حد امکان می‌توان زمینه را برای رسیدن به رفاه کامل فراهم ساخت.

ه) اجتماعی، که بشر با در نظر گرفتن و در مقابل خود قرار دادن و در نتیجه کاربردی کردن آن عناصر می‌تواند به مدینه فاضله مهدوی علیه السلام نزدیک شود.

از همین رو است که خداوند متعال در قرآن کریم در مواضع متعدد اشاره به پیاده شدن آرمان‌های اسلامی در عصر ظهور دارد و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

المُشْرِكُونَ»؛ «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

۳- ایجاد روحیه امید در سطح جامعه

امید و آرزو از ویژگی‌های انسان است که در زمره فطریات بشر قرار دارد، زیرا هر دو نگاهی به آینده دارند و هنوز ثابت نشده که در میان جانداران، جاننداری آینده نگر باشد. هم چنین دانسته نشده جانورانی که لانه می‌سازند و یا خوراک می‌اندوزند، این کار را از روی دانش و بینش انجام دهند، یا آن که خودشان بدانند چه می‌کنند. از این روی می‌توان گفت لانه سازی و خوراک اندوزی جانوران از روی غریزه است، پس امید و آرزو و آینده‌نگری از ویژگی‌های انسان است و بس.

امید و آرزو هر دو نمایانگر خواسته‌های بشر بوده و هر دو پیک سعادت و نوید خوشبختی اویند.

تفاوت امید و آرزو در این است که امید همراه عقل بشر است و خواسته‌اش خردمندانه و امکان پذیر بوده و به محال تعلق نمی‌پذیرد، اما آرزو چنین نیست و گاهی با عقل هماهنگ و زمانی ناهماهنگ است و به محال‌ها تعلق می‌گیرد و تقاضای هست شدن نشدنی‌ها را دارد.

آرزومند می‌نشیند و انتظار رسیدن به آرزویش را دارد و هرگز گامی به سوی مقصد بر نمی‌دارد، ولی امیدوار چنین نیست؛ در پی امیدش می‌رود و هر

گامی که بر می‌دارد به آمیدی می‌رسد، چون امید اصلی به وجود آورندهٔ امیدهای فرعی است و هر یک از این‌ها که محقق شود پایه‌ای می‌گیرد تا به سوی امید بالاتر گامی بردارد. هنگامی که امید بیشتر و نیرومندتر شد، هدف و آرمان می‌گردد و آرمان عقلایی و امید خردمندانه هر دو با یکدیگر همگام و همراه خواهند شد.

ضرورت امید

ضرورت امید آن چنان روشن است که دلیلی نمی‌طلبد و بدون امید لازم نیست برای چیزی تلاش و تکاپو نمود؛ تا جایی که نباید برای سطرهای بعدی کوشید و چیزی نوشت.

رسول خدا می‌فرماید: «اگر امید نبود، مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت.»^۱

ولی این امر حیاتی می‌تواند صورتی شرّ به خود بگیرد؛ این همان شکلی است که ما شرّ را تحمل می‌کنیم، به این امید که خود از بین برود و می‌گوییم، امیدوارم فردا بهتر شود. آه می‌کشیم و به جای آن که اقدامی برای خلاص شدن از آن انجام دهیم دست روی دست می‌گذاریم و به امید فردا می‌نشینیم.^۲

در اندیشهٔ دینی، امید فعال ستوده شده و امید منفعل و بی‌تلاش هرگز مطلوب نیست. امام علی علیه السلام امیدواری منفی را چنین به تصویر کشیده است: «لاتکن ممن یرجوا الآخرة بغير العمل، و یرجى التوبة بطول الأمل»

۱. نهج الفصاحه، ص ۱۸۹، حدیث ۹۳۶. ۲. تفکر منفی، ص ۱۴۸.

يقول في الدنيا بقول الزهدين، و يعمل فيها بعمل الراغبين و إن أُعطي منها لم يشبع، و إن مُنع منها لم يقنع. يَعْجُزُ عن شكر ما أوتى، و يبتغي الزيادة فيما بقى. ينهى و لا ينتهى، و يأمر بما لا يأتي. يحب الصالحين و لا يعمل عملهم، و يُبغض المذنبين و هو أحدهم. يكره الموت لكثرة ذنوبه، و يقيم على ما يكره الموت من أجله. إن سقم ظلّ نادماً و إن صحَّ أمِنَ لاهياً، يُعجِبُ بنفسه إذا عوفى، و يقنط إذا ابتلى. إن أصابه بلاء دعا مضطراً، و إن ناله رخاء اعترض مغترباً. تغلبه نفسه على ما تظنّ، و ما لا يغلبها على ما يستيقن. يخاف على غيره بأدنى من ذنبه، و يرجو لنفسه بأكثر من عمله. إن استغنى بطر و فتن، و إن افتقر قنط و وهن. يُقَصِّرُ إذا عمل، و يبالي إذا سأل. إن عَرَضَتْ له شهوة أسلف المعصية و سوف التوبة. إن عَرَتْهُ محنة انفرج عن شرائط الملة يصف العبرة و لا يعتبر، و يبالي في الموعظة و لا يتعظ فهو بالقول مدلّ، و من العمل مقل. ينافس فيما يفتى، و يسامح فيما يبقى...»^۱ از کسانی مباش که بدون عمل امید سعادتِ آخرت را دارند و توبه را با آرزوهای دور و دراز تأخیر می‌اندازند. درباره دنیا همچون زاهدان سخن می‌گویند، ولی همچون دنیا پرستان عمل می‌کنند. هر گاه چیزی از دنیا به او برسد سیر نشود و اگر نرسد قناعت کند. از شکر آنچه به او داده شده عاجز است، ولی باز هم فزونی می‌طلبند. دیگران را از کار بد نهی می‌کند، اما خودش از کار بد باز نمی‌ایستد. دیگران را به چیزی امر می‌کند که خودش انجام نمی‌دهد. نسیکان را دوست می‌دارد، اما عمل آن‌ها را انجام نمی‌دهد. گنه کاران را دشمن می‌دارد، اما خودش یکی از آن‌هاست.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، رقم ۱۵۰.

به خاطر زیادی گناهانش از مرگ بیزار است، اما بر همان گناهان پایدار است. اگر بیمار شود پشیمان می‌گردد و اگر تندرست گردد احساس امنیت می‌کند و به لیهو می‌پردازد. به هنگام سلامت مغرور است و به هنگام گرفتاری ناامید. اگر بلایی به او رسد خدا را به زاری می‌خواند و اگر به آسایش رسد همچون مغروران از خدا روی برمی‌گرداند نفس او با گمان بر او غلبه می‌کند، اما در موضوعات یقینی مغلوب نفس می‌شود. برای دیگران به کمترین گناهی می‌ترسد، ولی برای خودش بیش از آنچه عمل کرده امیدوار است.

اگر بی‌نیاز شود مغرور و مفتون می‌گردد و اگر فقیر شود ناامید و سست می‌گردد. در عمل کوتاهی می‌کند و در خواهش و خواستن مبالغه. هر گاه شهوتی بر او عارض شود گناه را جلو می‌اندازد و توبه را تأخیر و اگر محنتی به او رسد صبر و شکیبایی را به کلی از دست می‌دهد. عبرت آموختن را توصیف می‌کند، ولی خود عبرت نمی‌گیرد. سخن بسیار می‌گوید، اما عمل نمی‌کند. در گفتن، بسیار گفتار و در عمل اندک کردار در آنچه ناماندنی است خود را بر دیگری پیش دارد و آنچه را ماندنی است آسان شمارد...».

خداوند متعال می‌فرماید: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِيَّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَفْعَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا* وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا*»^۱ «کار، نه با آرزوی شما و نه آرزوی اهل کتاب است، هر کس کار بد کند کیفر آن را خواهد دید و به جز خدا کسی را یار و یاور خود نخواهد یافت. هر

۱. سوره نساء، آیات ۱۲۳ - ۱۲۴.

کس از زن و مرد کارهای شایسته انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد وارد بهشت شده و به اندازه پوست سبک هسته خرما به آنان ستم نخواهد شد».

انقسام امید

فرد بشر امیدی دارد و اجتماع بشر امیدی. امید فرد ویژه خود اوست و امید اجتماع برای افرادی است که در آن اجتماع شرکت دارند. گاه امید فرد برای اجتماع است و فردی در راه آرمان اجتماع می‌کوشد. این گونه افراد خدمت‌گزار بشرنند. امید اجتماعی وقتی شدت یافت هدف اجتماعی و آرمان بشری خواهد شد و همان طور که امید فرد خود به خود انجام شدنی نیست و برای رسیدن به آن باید در پی آن روان شد، امید اجتماعی نیز چنین است؛ باید کوشید، رنج برد و مقاومت کرد تا بدان رسید. از این جاست که عظمت مقام انبیا و اولیا شناخته می‌شود، زیرا این بزرگواران می‌کوشند که اجتماع بشری را به سوی آسایش و نیک‌بختی و سعادت رهنمون کنند.

امید به آینده‌ای درخشان با عقیده مهدویت

در طول تاریخ انقلاب‌های گوناگونی، از قبیل: فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... صورت گرفته است، ولی اکثر این انقلاب‌ها یا در شروع موفق نبوده یا این که در بین راه با مشکلات فراوانی مواجه شده و با دشمنان خود نتوانسته است دوام بیاورد و قبل از رسیدن به اهداف و آرمان‌های خود شکست خورده است. انقلاب کردن آسان است و انسان‌ها هنگام انقلاب با شور و شوق و انرژی فراوانی که دارند می‌توانند با دشمنانشان بجنگند و آن‌ها را از حد و مرز خود بیرون کنند، اما این شور و هیجان همیشگی نبوده و در صورت مواجهه با

مشکلاتی که دشمنان قسم خورده آن ملت فراهم کرده، دوام نمی‌آورند و در نتیجه در مقابل آن‌ها تسلیم می‌شوند.

اسلام که در مکتب تشیع تبلور یافته برای پرکردن این خلأ در جامعه خود طرح جدیدی را پیش روی پیروان خود قرار داده که با عمل کردن و التزام به آن هیچ گاه طعم تلخ شکست و ناکامی را نخواهند چشید.

تشیع دو عامل و سوژه مهمی برای پیروزی جامعه خود دارد که نه تنها توانسته با وجود دشمنان بسیار، خود را از گزند آنان حفظ نماید بلکه روز به روز پیشرفت کرده و حتی جوامع دیگر اسلامی را نیز از خواب غفلت بیدار نموده است. این دو عامل عبارتند از فرهنگ عاشورا، و انتظار سبز:

الف - فرهنگ عاشورا

قیام حسینی و فرهنگ عاشورا جرقه خوبی برای بیداری ملت‌ها و انقلاب و ستیز آن‌ها در برابر ظالمان است، زیرا با ملاحظه شعارهای حسینی علیه السلام که با حماسه و عاطفه همراه است، مانند: «هیهات منا الذلة» و «مثلی لا یبایع مثله»، «إنی أُرید أن آمر بالمعروف وأنهی عن المنکر» و غیره، بشر را نیرو بخشیده و در برابر ظالمان به حقوق دیگران و تحریف کنندگان اسلام ناب قیام خواهند کرد. ما الآن نمونه آن را در انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق و حتی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی می‌بینیم.

گاندی رهبر نهضت هند بر ضد استعمار انگلستان، مردم هندوستان را با اقتدا به قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام از یوغ اسارت استعمارگران نجات داد. ماربین، محقق آلمانی می‌گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب

امیدواری و رستگاری شیعه است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است.^۱ پتروشفسکی، تاریخ دان و ایران شناس علوم شوروی سابق در این زمینه می نویسد: «چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند مقام بلندی داشته است، ولی در قرن چهاردهم میلادی این عقیده راسخ تر و مشهودتر گشت».^۲

کنفرانس تل آویو: در دسامبر ۱۹۸۴ (۱۳۶۵ ه.ش) در دانشکده تاریخ دانشگاه تل آویو با همکاری مؤسسه مطالعاتی شیلووه - که یک مؤسسه مطالعاتی غیر انتفاعی و مرتبط با صهیونیسم است - کنفرانسی با حضور سیصد شیعه شناس درجه یک جهان برگزار شد و در آن ظرف مدت سه روز سی مقاله ارائه شد و به قول مارتین کرامر، یکی از شیعه شناسان جهان که دبیر این کنفرانس بود، هدف اصلی از برپایی این کنفرانس، شناخت مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثناعشری و بعد بالطبع شناسایی انقلاب اسلامی سال ۵۷ در کشور ایران بود. شیعه شناسان برجسته ای در این کنفرانس شرکت داشتند، امثال: دانیل برومبرگ، ماروین زونیس، مایکل ام جی فیشر، برنارد لویس و خود مارتین کرامر و دیگر شیعه شناسان و شرق شناسان.

مقالاتی که در این کنفرانس ارائه شد در صد تفصیلی، تحقیقی و مبتنی بر پیچیده ترین متن تحقیق و عمیق ترین روش ها در بررسی دین و مکتب و تمدن بود. در سخنرانی مقدماتی این کنفرانس - که آقای «مارتین

۱. ماریین، سیاست اسلام، فلسفه مذهب شیعه، ص ۴۹ - ۵۰.

۲. پتروشفسکی، نهضت سریداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز.

گرامر» ارائه کرد - هدف اصلی شناسایی مفاهیم محوری در تمدن شیعه به دلیل شناخت انقلاب اسلامی ذکر شد. در این کنفرانس بعد از تحلیل بسیار، دو مفهوم محوری بحث و بررسی و شناسایی شد. از دید این شیعه شناسان، مفهوم محوری اول: آن نگاه سرخی است که شیعیان به صحرای کربلا دارند و قدر مسلم، خون شیعه در قیام‌های متعدد، مستقیماً مشروب شده از صحرای کربلا در سال ۶۱ هجری است.

در این کنفرانس مسائلی درباره امام حسین علیه السلام ذکر شد که از آن جمله مقاله‌ای است با عنوان «تشیع به روایت امام خمینی». نویسندگان این مقاله دو نفر به نام‌های: «مرو بن زونیس و دانیل برومبرک» بودند. در بخشی از این دو مقاله آمده است: تأکید بر شهادت در عقیده امام خمینی، نشان می‌دهد که شهادت نقش مهم و ویژه‌ای در تشیع ایفا می‌کند. تفکر سنی به هیچ وجه با مفهوم شهادت بیگانه نیست، اما این مفهوم در این تفکر دارای مقام محوری نیست، زیرا اسلام سنی از یک شخصیت مذهبی، مانند امام حسین علیه السلام که در راه عقیده خود فدا شده باشد الهام نمی‌گیرد. اما در تشیع اثناعشری موضوع شهادت امام حسین علیه السلام و تا حدی شهادت سایر ائمه علیهم السلام محوری است. امام حسین علیه السلام با قربانی کردن جان خود در راه اسلام، تکلیف نسل‌های بعدی شیعیان را مشخص کرده است. همه ساله در ماه محرم و در روز عاشورا؛ یعنی سالروز شهادت امام حسین علیه السلام با برگزاری مراسم پرشور و شرح وقایع جان‌گداز کربلا خاطره شهادت او گرامی داشته می‌شود. این موضوع به آیین‌های تشیع مضمونی فوق العاده و احساسی می‌بخشد.

در میزگرد دیگری که افرادی چون: میشل فوکو، کلر بریر، پیربلانشه - که دو نفر از روزنامه‌نگاران برجسته فرانسوی بودند - حضور داشتند درباره قیام امام حسین علیه السلام و نقش آن در تمدن شیعی مطالبی بسیار ظریف بیان شد؛ از آن جمله کلر بریر گفت: «در ایران تظاهرات، به معنای واقعی آن است و بهتر است از واژه شاهد استفاده کنیم. در ایران مردم از حسین حرف می‌زنند، باری این حسین کیست؟...»^۱

ب- انتظار سبز

دومین محور نگاه سبزی است که شیعیان اثناعشری به آن توجه دارند؛ یعنی امام زمان، حضرت مهدی موعود علیه السلام، امامی زنده و ناظر به اعمال و رفتار شیعیان، کمک کار و حافظ آنان در سطح کل.

می‌دانیم که هر قیام و نهضت ضد استبدادی و استکباری هر قدر در اصول و مبانی خود راسخ‌تر باشد دشمنانش بیشتر و دشمنی آنان شدیدتر خواهد بود، لذا چه بسا به جهت سست شدن در عقیده به زانو در آمده و از مواضع اصولی عقب نشینی کنند. اما در جامعه شیعی این مشکل حل شدنی است، زیرا جامعه شیعی با آن تمدن و نگاه سبزشان امیدوار به ظهورند و این اعتقاد از جهت روانشناسی اثر عمیقی در روحیه شیعیان می‌گذارد.

در کشور فلسطین، بزرگ‌ترین عامل انتفاضه و تحرک علیه اسرائیل غاصب؛ بهره‌گیری از فرهنگ عاشورا و الگوپذیری از قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

۱. حسن بلخاری، تهاجم یا تفاوت فرهنگی.

یکی از مبارزان فلسطینی به نام محمد شخّاده که مدّتی در زندان‌های اسرائیل به سر برده و الآن یکی از رهبران انتفاضه است، بعد از تحقیقات فراوان در مورد مکتب تشیع به حَقّانیت آن اعتراف نموده است. او در مصاحبه‌ای به انگیزه استبصار خود و علل و عوامل پیروزی ملت فلسطین در مقابل استکبار و اسرائیل جنایت‌کار اشاره کرده می‌گوید: «أدعو أحرار العالم إلى الاقتداء بإمام الأحرار الحسين عليه السلام؛ من آزاد مردان جهان را به اقتدا به پیشوای آزاد مردان حسین عليه السلام دعوت می‌کنم».

همو در جایی دیگر می‌گوید: «فانتی كنت أتعاطف كثيراً مع مظلومية آل البيت عليهم السلام، و كان ثمة إحساس يعتريني بأنّ علي بن أبي طالب عليه السلام مظلوم حقاً. وهذا الاحساس بالمظلومية بدأ يتجذر و يزداد عمقاً كلما اشتدّ علي ظلم الاحتلال»؛ «به راستی که من در بسیاری از مواقع عاطفهام به جهت مظلومیت اهل بیت عليهم السلام برانگیخته می‌شود. هم چنین در خود احساسی می‌بینم که در من عارض شده به این که علی بن ابی‌طالب عليه السلام حقاً مظلوم بوده است و این احساس در وجودم روز به روز ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود، هر مقدار که ظلم اشغالگری بر ملت فلسطین بیشتر می‌شود...».

همو در جای دیگر می‌گوید: «للإمام قائم آل بيت النبوة عليهم السلام برکات تحرّکنا و تعطينا الفعالية الدائمة باتجاه النصر و التحضير لفرحه القريب إن شاء الله، وأهتف بحضرتة مناجياً و راجياً: يا مهدی أدرکنا الآن»؛ «از جانب قائم اهل بیت نبوت: به ملت فلسطین برکاتی می‌رسد که - انشاء الله تعالی - ما را تحرّکی بخشیده و نیز انگیزه‌ای برای فعالیت دائمی برای رسیدن به پیروزی

و امید برای آن در ما ایجاد خواهد نمود. من هر روز با او ارتباط برقرار کرده با او مناجات و نجوا می‌کنم و به او عرضه می‌دارم: ای مهدی! در این موقعیت حساس ما را دریاب.»

وی در جای دیگر از مصاحبه خود می‌گوید: «سأعمل نشر المذهب الإمامی فی فلسطین، و أدعو الله یساعدنی»؛ «به زودی برای نشر مذهب امامیه در فلسطین سعی خواهم کرد و از خداوند می‌خواهم که مرا در این راه مساعدت و یاری نماید.»

و نیز می‌گوید: «اننی فی مختلف المهرجانات الخطابیة التي تقام فی فلسطین، و التي اخطب فیها للآلاف من الناس أركز کلماتی علی شخصیات و مواقف و سیرة أهل بیت النبوی علیهم السلام، و هذا یسهم کثیراً فی تغییر الصورة السائدة فی المجتمع تجاههم صلوات الله علیهم حتی یعرفوا قدرهم، و یقتدوا بهم، فیتحقق النصر بإذن الله...»؛ «من در جشن‌های خطابی و جلساتی که برای سخنرانی در فلسطین تشکیل می‌شود، در حالی که در آن جلسات هزاران نفر وجود دارند، محور اساسی سخنانم را در معرفی شخصیت‌ها و بیان موقف‌ها و سیرة اهل بیت پیامبر ﷺ قرار می‌دهم و این به نوبه خود سهم به سزایی در تحوّل ملت فلسطین و توجه آن‌ها به اهل بیت ﷺ داشته است؛ تا این که آن‌ها را شناخته و با پیروی از آنان به اذن خداوند به نصرت و یاری برسند.»

همو در قسمتی دیگر از مصاحبه‌اش می‌فرماید: «سأعمل - إن شاء الله - علی نشر مذهب أهل البیت ﷺ أنا و جمع من إخوانی المؤمنین راجياً من الله العلیّ القدير أن ینشر هذا المذهب لیمهد الطريق أمام قدوم مهدی آل

محمد عجل الله فرجه الشريف^۱؛ «به زودی - إن شاء الله - من و جمعیتی از برادران مؤمن در نشر مذهب اهل بیت علیهم السلام خواهیم کوشید با امید از خداوند علی قدیر که این مذهب را منتشر کرده تا زمینه را برای قدم و تشریف فرمایی حضرت مهدی آل محمد - عجل الله فرجه الشريف - فراهم نماید.»

همان‌گونه که گفته شد عامل دیگر در پیروزی تشیع و جامعه شیعی فرهنگ انتظار و اعتقاد به امام زمان حتی و زنده است که شیعه او را حاضر و ناظر بر اعمالش می‌داند و در مواقع اضطرار به فریاد آن‌ها خواهد رسید. همه ادیان و مکاتب و مذاهب اسلامی معتقد به آمدن منجی در آخر الزمان اند، ولی تنها مکتبی که منجی را حتی و حاضر در میان خود می‌داند «تشیع» است. از همین رو نظریه نجات، مسئله‌ای زنده در جامعه شیعی است، بر خلاف سایر مذاهب اسلامی و ادیان و مکتب‌های دیگر.

بیشتر انقلاب‌ها و نهضت‌ها در ابتدا شروع خوبی داشته‌اند، ولی از آن جهت که ماهیت انقلاب‌شان ظلم ستیزی و مبارزه فرهنگی یا سیاسی با استکبار بوده دشمنان در طول مدت بعد از پیروزی به مبارزه جدی همه جانبه با آن نهضت پرداخته‌اند، لذا پس از مدتی روحیه یأس و ناامیدی در آن‌ها حاکم شده و صحنه را خالی کرده‌اند و انقلاب به بوتۀ فراموشی سپرده شده و تنها در صفحات تاریخ ثبت شده است. اما نهضت شیعی این خلأ و مشکل را چاره‌جویی کرده است، به این صورت که شیعه به امامی حتی و حاضر معتقد

۱. المتحولون، مصاحبة با محمد شحاده از رهبران مبارزان فلسطینی.

است و با امید به ظهور و قیام او به سر می‌برد؛ لحظه شماری می‌کند و با این روحیه امید تا به حال توانسته است خود را زنده و شاداب نگه دارد و در مقابل تبلیغات دشمنان و مبارزه آن‌ها استقامت کرده و دوام آورد.

از همین رو غرب در برنامه ریزی‌های خود برای مبارزه با اسلام راستین به سراغ مسائل زیربنایی رفته و آن‌ها را مورد هدف خود قرار داده است باب نمونه برنامه‌های ویدئویی که شرکت‌های مختلف غربی بر ضد بنیادهای اصیل اسلامی تهیه می‌کنند، می‌بینیم که از همه بیشتر مسئله مهدویت در اعتقاد شیعی را زیر سؤال برده و برضد آن برنامه ریزی کرده و فیلم می‌سازند.

۴- هر زمان احتمال فرج است

در روایات اسلامی نه تنها اشاره‌ای به زمان دقیق ظهور منجی بشریت نشده بلکه تعیین کننده وقت آن نیز تکذیب شده است، لذا در روایتی آمده است: «كذب الوقتون»؛ «وقت تعیین کنندگان دروغ می‌گویند». یکی از اسرار آن، شاید این باشد که بشر همیشه برای عصر ظهور آماده باشد؛ زیرا امکان دارد هر لحظه حضرتش ظهور کند و او را در تشکیل و پیاده کردن حکومت عدل جهانی و توحیدی شرکت دهد. از آن جا که وقت تشکیل این حکومت مشخص نیست و هر لحظه می‌تواند زمان ظهور باشد، لذا وظیفه ماست که نظری به مباحث مهدویت و ظهور کرده و خصوصیات عصر ظهور و وظایف در آن عصر را بدانیم....

۵ - زمینه سازی برای ظهور

عصر ظهور و بر پایی حکومت عدل توحیدی جهانی و بر چیده شدن ظلم و بی عدالتی نه تنها خواسته انبیا و اوصیای الهی در طول تاریخ بشر بوده بلکه خواسته فطری بشر است.

از طرفی دیگر، رسیدن به این حکومت و عصر شرایطی دارد که بعضی از آن‌ها به دست خود بشر حاصل می‌گردد که از آن جمله رسیدن بشر به تکامل همه جانبه است، لذا بر ماست که آرمان‌های اصیل اسلامی را در عصر ظهور بدانیم تا بتوانیم هر چه بهتر در نزدیک شدن آن سهیم بوده و زمینه‌ساز ظهور آن حضرت باشیم.

امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «لِیَعْدَنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتَ لِأَنْ يَنْسِيَ فِي عَمْرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛^۱ باید هر کدام از شما برای خروج قائم آمادگی پیدا کند، اگر چه با تهیه کردن یک تبر باشد، زیرا وقتی خداوند می‌بیند کسی به نیت یاری مهدی علیه السلام اسلحه تهیه کرده، امید است که عمرش را دراز کند، تا ظهورش را درک نماید و از یارانش باشد.»

در روایت دیگری آمده است که راوی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لِاسْتِقَامَتِ لِهَ الْأُمُورِ عَفْوًا، وَ لَا يَهْرِيْقُ مَحْجَةَ دَمٍ، فَقَالَ: كَلَّا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتِ لِأَحَدٍ عَفْوًا لِاسْتِقَامَتِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ حِينَ أَدْمِيَتْ رِبَاعِيَّةً وَ شَبَّحَ فِي وَجْهِهِ، كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى

نمسخ نحن و أنتم العراق والعلق، ثم مسح بجبهته؛^۱ روای می‌گوید به خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند چون مهدی علیه السلام قیام کند، کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه حجامتی خون نمی‌ریزد؟ حضرت فرمود: هرگز چنین نیست به خدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود کار برای کسی خود به خود درست شود برای پیامبر صلی الله علیه و آله درست می‌شد، هنگامی که دندان‌ش شکست صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود به خدای جهان آفرین سوگند! کار درست نخواهد شد تا این که ما و شما در عرق و خون غرق شویم؛ آن‌گاه به پیشانی خود دست کشید».

۶- ضرورت معرفت امام زمان علیه السلام

بحث از مهدویت در اسلام، از اموری نیست که مربوط به آینده بشر باشد تا اشکال نخست مطرح شود، بلکه بحث از امامت و مهدویت این است که در هر زمانی باید امام معصومی باشد خواه حاضر و مشهور و خواه غایب و پنهان تا حجت‌ها و بیّنات خداوند باطل نگردد؛ از همین رو در روایات اسلامی می‌خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من مات و لم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة»^۲ هر کس بمیرد و پیشوای زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

بحث از امامت و مهدویت، بحث از غیبت و فلسفه آن و آثار و برکات وجود امام در این عصر است. بحث از امامت و مهدویت در این زمان، بحث از

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۲. شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹.

کیفیت و چگونگی ارتباط انسان با امام خود در این عصر است. بحث از امامت و مهدویت، بحث از وظایف و تکالیف شیعه در عصر غیبت است...

۷ - تقریب بین مذاهب و ادیان

از آنجا که اعتقاد به نجات بشر در آینده‌ای نه چندان دور از باورهای فطری تمام صاحبان ادیان و مذاهب بلکه کل بشر است، لذا این موضوع بستر مناسبی برای گفت و گو است تا از این طریق به زندگی مسالمت‌آمیز بین انسان‌ها برسیم.

مسئله اعتقاد به نجات بشر از ظلم و بی عدالتی و تبعیض، پیروزی حق و عدالت بر باطل و بی عدالتی و گسترش حکومت الهی کم و بیش مورد اتفاق بین تمام مکتب‌ها و ملت‌ها خصوصاً ادیان الهی است، هر چند در خصوصیات و مصداق آن اختلافاتی وجود دارد. اما آنچه مورد اتفاق است اعتقاد به اصل قضیه است که بشر روزی روی خوش و سعادت را در پایان تاریخ خود خواهد دید و در مورد اختلاف جزئی نیز می‌توان از راه‌هایی به حل آن‌ها پرداخت.

۸ - طولانی بودن مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

مطابق قواعد عمومی، حدّ زمان لازم برای حکومت عدل جهانی توحیدی امام زمان علیه السلام باید وقت وسیعی باشد که بتواند اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا در آن مدت زمان تحقق یابد. این مطلب را با مقدماتی کوتاه تقریر می‌کنیم:

الف. هدف از خلقت ایجاد عبودیت خالص در سطح کلّ جامعه است،

عبودیت در سطح وسیعش به نحو استغراقی نه بدلی. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛^۱ «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند.»

ب. حضرت مهدی علیه السلام با برپایی حکومت جهانی‌اش در پیاده نمودن این هدف سهم عظیمی دارد.

ج. پیاده کردن این هدف عظیم احتیاج به زمان کافی دارد، زیرا اصل بر عدم معجزه است.

نتیجه: بقای امام و حکومت او در مدت کافی برای تطبیق هدف عالی خلقت انسان ضروری است، زیرا هدف خلقت بشر بر دو نوع است:

۱ - هدف کلی: برای مجموعه بشر که در نهایت باید به نحو عام استغراقی، تمام بشر به کمال برسند.

۲ - هدف مقطعی: که برای بشر در هر برهه زمانی متصور است و آن به نحو عام بدلی برای برخی از افراد بشر تحقق یافته است.

مفاد روایات

روایات در این زمینه بر دو دسته‌اند:

الف. روایاتی که دلالت دارند بر این که مدت بقای حکومت حضرت، ده سال یا کمتر است. این قول مشهور بین علما بوده و غالب روایاتش در مصادر اهل سنت یافت می‌شود.

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

ب. برخی روایات دیگر دلالت دارد بر این که مدت حکومت حضرت بیش از ده سال است.

روایاتی از نوع اول

- ۱ - ابوداؤد به سندش از ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «مهدی از من است... و هفت سال حکومت خواهد کرد».^۱
- ۲ - ترمذی به سند خود از ابوسعید خدری از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده که فرمود: «همانا در میان امت مهدی است که خروج خواهد کرد و در مدت پنج یا هفت یا نه سال حکومت خواهد نمود».^۲

روایاتی از نوع دوم

- ۱ - قندوزی حنفی از حذیفه بن یمان نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «مهدی مردی از اولاد من است... بیست سال حکومت خواهد نمود».^۳
- ۲ - سیوطی به سندش از امام علی ﷺ نقل کرده که فرمود: «مهدی در مدت سی یا چهل سال متولی امر مردم خواهد شد».^۴
- ۳ - شیخ طوسی به سندش از جابر از امام باقر ﷺ در حدیثی نقل می‌کند که به حضرت عرض کردم: چه مدت قیام حضرت در جهان طول خواهد کشید؟ حضرت فرمود: «نوزده سال».^۵
- ۴ - و نیز به سندش از ابن ابی‌یعفور نقل کرده که امام صادق ﷺ فرمود: «حکومت قائم ما نوزده سال و چند ماه خواهد بود».^۶

۱. صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۱. سنن ابی‌داؤد، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲. الحاوی للفتاوی، ص ۱۵۵.

۳. ینابیع المودة، ص ۵۳۷.

۴. همان، ص ۱۸۱.

۵. الغیبة، طوسی، ص ۲۸۶.

۵ - و نیز از عبدالکریم خثعمی نقل می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مدت حکومت قائم علیه السلام چه مقدار است؟ حضرت فرمود: «هفت سال، خداوند روزها و شب‌ها را طولانی خواهد کرد به حدی که یک سال از سال‌های او به مقدار ده سال از سال‌های شما است. لذا مدت حکومت آن حضرت هفتاد سال از سال‌های شما خواهد بود».^۱

و نیز به سندش از ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا قائم سیصد و نه سال حکومت خواهد نمود همان گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».^۲

توجیه روایات

با توجه به روایات موجود درباره مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام سه قول وجود دارد:

۱ - ترجیح روایات هفت سال

این قول شواهد و مؤیداتی نیز دارد:

الف. از شهرت در عمل برخوردار است.

ب. این روایات بنا بر قول ابوالحسین آبری مستفیض یا متواتر است.^۳

ج. قیام و حکومت حضرت مهدی علیه السلام در مدت هفت سال فضیلتی برای آن

حضرت است.

۲. همان، ص ۲۸۳.

۱. همان، ص ۴۳۲.

۳. صواعق المحرقة، ص ۱۶۲.

د. روایات هفت سال به روایتی تقیید می‌خورد که هر سال از آن هفت سال را برابر ده سال می‌داند که مجموع آن هفتاد سال می‌شود، که در نتیجه مدت معقولی برای برپایی حکومت عدل جهانی است.

و نیز ممکن است که روایت فوق را حمل بر مبالغه در طولانی بودن مدت حکومت حضرت نمود، زیرا عدد هفتاد به جهت مبالغه به کار می‌رود.

۲ - حمل روایات به مرحله حیات و حکومت

احتمال دوم آن است که روایات مختلف را بر دو مرحله حمل کنیم: الف. مرحله حیات امام زمان علیه السلام بعد از ظهور؛ که کمتر از ده سال است. ب. مرحله حکومت عدل جهانی توحیدی؛ که بیش از ده سال به طول خواهد انجامید. خصوصاً آنکه با رجعت هر یک از امامان قبل از برپایی قیامت و بعد از ظهور حضرت، حکومت عدل جهانی توحیدی ادامه خواهد یافت.

۳ - حمل بر مراحل شدت و ضعف

ممکن است اختلاف مدت در حکومت حضرت را به مراحل قوت و ضعف حمل نمود.

سفارینی می‌گوید: «بر فرض صحت تمام روایات می‌توان همه را این گونه حمل کرد که حکومت حضرت از حیث ظهور و قوت متفاوت است، مدت بیشتر را حمل بر تمام مدت حکومت از اول زمان بیعت تا آخر حکومت حمل می‌کنیم. و مدت زمان کمتر را بر حد اقل ظهور و مدت حد وسط را نیز بر حد وسط ظهور و قوت حمل می‌نماییم.»^۱

خلاصه کلام سفارینی این است که ایشان مراحل حکومت حضرت را بر سه بخش تقسیم می‌کند:

الف. مرحله ظهور و قوت که در آن زمان، امور رتق و فتق می‌شود (حد اقل).

ب. مرحله تثبیت و آرامش (حد وسط).

ج. مرحله نهایی، و نهایت حکومت حضرت (حد اکثر).

بحث از مهدویت از دیدگاه اهل سنت

دکتر محمد احمد اسماعیل مقدم در کتاب المهدی وفقه اشراط الساعة در جواب اشکالی از بحث مهدویت و این که چه ثمره‌ای بر آن مترتب می‌شود، به نکاتی پرداخته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - تصدیق و اعتقاد به این امور علمی خبری که از آن به «جانب نظری دین» تعبیر می‌کنیم و وحی نیز از آن خبر داده واجب است، زیرا این مسایل اصل دین و خالص اسلام و جوهر توحید است...؛

۲ - ایمان به این امور از لوازم شهادت به رسالت پیامبر اسلام ﷺ است؛

۳ - تصدیق این امور از مستلزمات ایمان به روز قیامت است، زیرا از جمله علائم قیامت خروج مهدی ﷺ است که قبل از برپایی قیامت تحقق خواهد یافت و همان گونه که اعتقاد به معاد و برپایی قیامت لازم است، اعتقاد به علائم آن نیز لازم می‌باشد.

۴ - تصدیق به خروج مهدی ﷺ داخل در ایمان به قدر الهی است، زیرا علم خلق به مقدرات الهی از دو طریق حاصل می‌شود: یکی وقوع شیء و دیگری اخبار از جریان‌های گذشته یا واقعه‌ای که در آینده اتفاق خواهد افتاد...^۱

۱. المهدی ﷺ وفقه اشراط الساعة، ص ۱۶۳ - ۱۶۶

مهدوئیت؛ عامل وحدت

مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم بر موضوع وحدت و اتحاد گروه‌ها و فرقه‌های مختلف امت اسلامی تأکید فراوان کرده و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۱ «به راستی مومنان برادران یکدیگرند».

و نیز می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۲ «و هرگز راه اختلاف و تنازع که موجب تفرقه در اسلام است نپوید که در اثر تفرقه ترسو و ضعیف شده، قدرت شما نابود خواهد شد».

و نیز می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۳ «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».

در میان جوامع اسلامی برخی از اعتقادات وجود دارد که می‌تواند محور خوبی برای وحدت در بین جامعه باشد یکی از آنها مودت و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام و دیگری اعتقاد به مهدی منتظر علیه‌السلام است. اعتقاد به منجی را حتی می‌توان زمینه و بستر مناسبی برای گفت‌گو و تقریب بین ادیان دانست؛ زیرا ادیان و مکاتب و ملت‌ها هر یک به نوعی معتقد به ظهور منجی برای عالم بشریت در آخر الزمان‌اند؛ هر چند در کیفیت و چگونگی آن با یکدیگر اختلاف

۲. انفال (۸)، آیه ۴۶.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم بر موضوع وحدت و اتحاد گروه‌ها و فرقه‌های مختلف امت اسلامی تأکید فراوان کرده و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۱ «به راستی مومنان برادران یکدیگرند».

و نیز می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۲ «و هرگز راه اختلاف و تنازع که موجب تفرقه در اسلام است نپوید که در اثر تفرقه ترسو و ضعیف شده، قدرت شما نابود خواهد شد».

و نیز می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۳ «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».

در میان جوامع اسلامی برخی از اعتقادات وجود دارد که می‌تواند محور خوبی برای وحدت در بین جامعه باشد یکی از آنها مودت و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام و دیگری اعتقاد به مهدی منتظر علیه‌السلام است. اعتقاد به منجی را حتی می‌توان زمینه و بستر مناسبی برای گفت‌گو و تقریب بین ادیان دانست؛ زیرا ادیان و مکاتب و ملت‌ها هر یک به نوعی معتقد به ظهور منجی برای عالم بشریت در آخر الزمان‌اند؛ هر چند در کیفیت و چگونگی آن با یکدیگر اختلاف

۲. انفال (۸)، آیه ۴۶.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

دارند. ما در این کتاب یکی از محورهای وحدت بین امت اسلامی، یعنی بحث از مهدویت و موارد اتفاقی در آن را بررسی می‌کنیم امیدواریم که این بحث وسیله‌ای برای تألیف قلوب مسلمانان باشد.

موارد اتفاق

در زمینه مهدویت مسائل و مواردی بین شیعه و اهل سنت اتفاقی است. ما ضمن اشاره به این موارد، برای هر کدام شاهی از روایات فریقین یا کلمات علمای هر دو فرقه خواهیم آورد. و از آنجا که روایات در مصادر حدیثی مورد اتفاق و قبول اهل سنت است، لذا به عنوان نظر مذاهب اسلامی از آن یاد می‌شود.

مورد اول: اتفاق بر اصل قضیه

یکی از موارد اتفاق بین شیعه و سنی در قضیه مهدویت اتفاق بر اصل آن قضیه است. امت اسلامی - مگر عدّه قلیلی از غربزدگان و روشنفکر نمایان مثال احمد امین مصری و شاگردانش - بر این مسئله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی، از ذریه پیامبر اسلام ﷺ، از اولاد حضرت زهرا علیها السلام، ظهور کرده، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و...

عمده علت تأکید بر این اعتقاد، وجود روایات بسیار و در حد تواتر درباره این قضیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت در کتاب‌های حدیثی مسلمین است. معلوم است هر قضیه‌ای که به حد تواتر برسد از دایره شک

و ظن خارج می‌شود و انسان را به یقین می‌رساند. و همان گونه که در علم حدیث و اصول به آن اشاره شده، حدیث متواتر احتیاج به بررسی سندی ندارد؛ زیرا از راه تراکم احتمالات می‌تواند انسان را به یقین برساند.^۱

سخنان عالمان شیعه

۱. شهید صدر رحمته الله علیه

مرحوم علامه شهید صدر می‌فرماید: «ان فكرة المهدي (عج) بوصفه القائد المنتظر لتغيير العالم الى الأفضل قد جاء في أحاديث الرسول الأعظم عموماً وفي روايات ائمة اهل البيت عليهم السلام خصوصاً. و أكدت في نصوص كثيرة بدرجة لا يمكن ان يرقى إليها الشك. و قد أحصى أربعمأة حديث عن النبي صلى الله عليه وآله من طرق إخواننا اهل السنة، كما أحصى مجموع الأخبار الواردة في الإمام المهدي عليه السلام من طرق الشيعة والسنة، فكان أكثر من ستة آلاف رواية. و هذا رقم إحصائي كبير لا يتوفر نظيره في كثير من قضايا الاسلام البديهية التي لا يشك فيها مسلم عادة»؛^۲ «به راستی اعتقاد به حضرت مهدي عليه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت عليهم السلام آمد است. در روایات فراوان به حدی بر این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی‌گذارد. و تنها از طریق برادران اهل سنت، حدود چهارصد روایت از پیامبر صلى الله عليه وآله درباره حضرت مهدي عليه السلام احصا و شماره شده است؛ همان گونه که مجموعه روایات

۱. ر. ک: بحث خبر متواتر. حلقات شهید صدر (ره).

۲. بحث حول المهدي. ص ۶۳ - ۶۴.

مهدویت که از طریق شیعه و سنی رسیده و احصا شده، بیش از شش هزار روایت برآورد شده است؛ و این، رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی برای آن نظیری نیست؛ قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی‌کنند.»

۲. شیخ محمد رضا مظفر رحمته الله

او می‌گوید: «انّ البشارة بظهور (المهدی) من ولد فاطمة في آخر الزمان ليملا الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً ثابتة عن النبي صلى الله عليه و آله بالتواتر و سجلها المسلمون جميعاً فيما رووه من الحديث عنه على اختلاف مشاربهم. وليست هي بالفكرة المستحدثة عند الشيعة، دفع اليها انتشار الظلم و الجور فحملوا بظهور من يظهر الارض من رجس الظلم، كما يريد ان يصورها بعض المغالطين غير المنصفين. ولولا ثبوت فكرة المهدي عليه السلام عن النبي علي وجه عرفها جميع المسلمين و تنبعث في نفوسهم و اعتقدوها لما كان يتمكن مدعو المهدي في القرون الاول كالكيسانية و العباسيين و جملة من العلويين و غيرهم من خدعة الناس و استغلال هذه العقيدة فيهم طلباً للملك و السلطان، فجعلوا ادعائهم المهدي الكاذبة طريقاً للتأثير على العامة، و بث نفوذهم عليهم»؛^۱ «مسألة بشارت به ظهور مهدي عليه السلام از اولاد فاطمة زهرا عليها السلام در آخر الزمان و این که زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، از مسائلی است که به طور متواتر از پیامبر صلى الله عليه و آله رسیده است و مسلمانان نیز در کتاب‌های روایی خود آن‌ها را نقل کرده‌اند. اعتقاد

به مهدی، عقیده جدید نزد شیعه امامیه نیست که به جهت انتشار ظلم و جور به آن روی آورده و به ظهور کسی که زمین را از پلیدی ظلم پاک کند معتقد شده باشند. عده‌ای غیرمنصف در صدد ارائه تصویری این‌گونه از قضیه مهدویت‌اند. اگر قضیه مهدویت که از پیامبر ﷺ رسیده است نزد جمیع مسلمین ثابت نبود و در نفوس آن‌ها رسوخ پیدا نکرده بود، هرگز مدعیان مهدویت، همانند کیسانیه و عباسیین و جماعتی از علویین و دیگران، نمی‌توانستند در طول قرن‌ها برای رسیدن به ملک و سلطنت، مردم را فریب دهند و با مستمسک قرار دادن این عقیده، ادعای مهدویت نمایند. اینان توانستند از راه ادعای دورغین مهدویت راهی برای تأثیر در عموم مردم پیدا کنند و از این طریق نفوذ خود را در میان مردم توسعه دهند».

کلمات علمای اهل سنت

۱. حافظ ابن حجر عسقلانی

او می‌گوید: «تواتر الاخبار بأن المهدی من هذه الأمة و أن عیسی بن مریم سینزل و یصلی خلفه»؛^۱ «اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر این‌که مهدی از این امت (اسلام) است و به راستی عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او به نماز می‌ایستند».

۲. قاضی شوکانی

او می‌گوید: «و هی متواترة بلاشک و شبهة، بل یصدق وصف التواتر

۱. فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

علی ما دونها علی جمیع الاصطلاحات المحررة فی الأصول»؛^۱ «احادیث مهدی بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه عنوان تواتر بر کمتر از مقدار از این احادیث نیز صدق می‌کند؛ آن هم با تمام اصطلاحاتی که در علم اصول در رابطه با تواتر و خبر متواتر آمده است.»

۳. ابن حجر هیتمی

او می‌گوید: «والأحادیث التي جاء فيها ذكر ظهور المهدي عليه السلام كثيرة متواترة»؛^۲ «احادیثی که در آن اشاره به ظهور مهدی است بسیار زیاد و به حد تواتر است.»

۴. علامه مناوی

او می‌گوید: «اخبار المهدي كثيرة شهيرة أفرادها غير واحد في التأليف»؛^۳ «اخبار مهدی زیاد و مشهور است؛ به حدی که جماعتی درباره این احادیث تألیفات مستقلی دارند.»

۵. تفتازانی

او می‌گوید: «مما يلحق بباب الامامة خروج المهدي عليه السلام و نزول عيسى و هما من اشراط الساعة و قد وردت في هذا الباب أخبار صحاح»؛^۴ «از جمله اموری که ملحق به باب امامت می‌شود خروج مهدی و نزول عیسی است، که این دو از علائم قیامت است و در این باره خبرهای صحیحی رسیده است.»

۱. ابراز الوهم المکنون، ص ۴، به نقل از رساله التوضیح شوکانی.

۲. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱. ۳. فیض القدير، ذیل حدیث ۹۲۴۵.

۴. شرح مقاصد، ج ۲، ص ۶۲.

۶. قرمانی دمشقی

او می‌گوید: «اتفق العلماء على أن المهدي هو القائم في آخر الزمان، وقد تعاضدت الأخبار على ظهوره و تظاهرت الروايات على اشراق نوره و ستسفر ظلمة الليالي و الأيام بسفوره و تنجلي برؤيته الظلم انجلاء الصبح عن ديجوره و يسير عدله في الآفاق فيكون أضوء من البدر في مسيره»^۱ «علما بر این امر اتفاق کرده‌اند که مهدی همان قیام کننده در آخر الزمان است و اخبار ظهور آن حضرت علیه السلام یکدیگر را تأیید می‌کنند و روایات بر اشراق نورش دلالت دارند، و به زودی ظلمت و تاریکی شب‌ها و روزها به روشنایی وجود او منور خواهد شد و تاریکی‌ها به رؤیت و دیدار او همانند بیرون آمدن صبح از ظلمت شب از میان خواهد رفت. عدل او در افق‌ها سیر خواهد کرد و پر نورتر از ماه منیر در مسیرش خواهد بود.»

۷. مبارکفوری

او می‌گوید: «واعلم أن المشهور بين الكافة من أهل الاسلام على ممرّ الأعصار أنه لابد في آخر الزمان من ظهور رجل من أهل البيت يؤيد الدين و يظهر العدل و يتبعه المسلمون و يستولي على الممالك الاسلامية و يسمى بالمهدي»^۲ «بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان‌ها این است که به طور حتم در آخر الزمان شخصی از اهل بیت علیهم السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید

۱. اخبار الدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۴۶۳.

۲. تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، مبارکفوری، شرح حدیث ۲۳۳۱.

کرده، عدل را میان جامعه ظاهر می‌کند و مسلمانان به دنبال او می‌روند و او بر ممالک اسلامی سلطه پیدا خواهد نمود. و او مهدی نامیده می‌شود.»
شبهه این عبارت نیز از شیخ منصور علی ناصف رسیده است.^۱
به همین مضمون در کلمات بزرگانی دیگر از علمای اهل سنت نیز مطالبی می‌یابیم که موارد ذیل از آن جمله است:

۸. برزنجی، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۸۷.
۹. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة، ج ۴، ص ۲۱۱.
۱۰. سید احمد زینی دحلان، الفتوحات الاسلامیه، ج ۲، ص ۳۲۲.
۱۱. أبوالأعلی مودودی، الیئنا، ص ۱۱۶.
۱۲. أبوطیب قنوجی، الاذاعة، ص ۵۳.
۱۳. دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی، المسهدی المنتظر فی الأحادیث الصحیحة، ص ۳۶۰.
۱۴. شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد، عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر.
۱۵. شیخ عبدالعزیز بن باز، مجلة جامعة الاسلامیة.

مورد دوم: اتفاق بر وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام

قضیه امام مهدی علیه السلام از امور غیبی است که از طریق وحی به آن خبر داده شده است. قرآن کریم به صراحت بر این نکته تأکید دارد که یکی از علائم و

۱. التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۱۰.

نشانه‌های پرهیزکاران ایمان به غیب است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾؛^۱ «الم در آن کتاب شکی نیست، برای متقین مایه هدایت و رستگاری است. متقین کسانی‌اند که ایمان به غیب دارند...»

خروج امام زمان علیه السلام در آخرالزمان از امور غیبی است که در مصادر اسلامی به آن اشاره صریح و بلیغ شده است. لذا بر ما واجب است که برای وارد شدن در جرگه مؤمنین به آن ایمان آوریم؛ زیرا حد فاصل بین جامعه مؤمنان که به رسالت‌های الهی اعتقاد دارند و جوامع مادی که به این گونه امور اعتقادی ندارند، ایمان به غیب و ماورای طبیعت و شهود است.

به همین دلیل، جماعتی از علمای شیعه و اهل سنت بر لزوم اعتقاد به خروج حضرت مهدی علیه السلام استدلال نموده‌اند که به بعضی از سخنان آنان اشاره می‌کنیم.

الف) نقل سخنان علمای شیعه

شیخ صدوق علیه السلام بعد از بحث درباره وجوب اعتقاد و ایمان به قیام حضرت حجت علیه السلام و نقل روایات متعدد در این موضوع و انطباق «ایمان به غیب» که یکی از صفات متقین در سوره بقره شمرده شده، بر یکی از مصادیق بارزش، یعنی ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، می‌فرماید: «ولایکون الایمان صحیحاً من مؤمن إلا من بعد علمه بحال من یومن به، کما قال الله تبارک و تعالی: ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.^۲ فلم یوجب لهم صحة ما یشهدون به إلا من بعد علمهم. ثم کذلک لن ینفع ایمان من آمن بالمهدی

۱. سوره بقره، آیه ۱ - ۳.

۲. سوره زخرف، آیه ۸۶.

القائم عجل حتی یکون عارفاً بشانه فی حال غیبتہ»؛^۱ «ایمان از شخص مؤمن به آن حضرت عجل بدون علم به حال امام زمان عجل صحیح نخواهد بود، همان گونه که خداوند متعال می فرماید: «الا من شهد بالحق و هم یعلمون؛ مگر کسانی که شهادت به حق دادند در حالی که می دانند. گواهی شهادت دهندگان به حق صحیح واقع نمی شود مگر بعد از این علم. مسئله امام زمان عجل نیز چنین است؛ زیرا ایمان کسی که به قضیه مهدویت اعتقاد دارد به او نفعی نمی رساند مگر در صورتی که عارف به شأن آن حضرت عجل در زمان غیبت باشد».

به همین سبب در روایات شیعه و سنی مشاهده می کنیم که منکر خروج مهدی عجل کافر شمرده شده است. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که می فرمود: «من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل علی محمد، و من أنکر نزول عیسی فقد کفر و من أنکر خروج الدجال فقد کفر. فإن جبرئیل عجل أخبرنی بأن الله عزوجل یقول: «من لم یؤمن بالقدر خیره و شره فلیأخذ رباً غیری»؛^۲ «کسی که منکر خروج مهدی است، به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده کافر گردیده است و کسی که منکر نزول عیسی است کافر است. کسی که منکر خروج دجال است کافر است. به راستی جبرئیل به من خبر داد که خداوند متعال می فرماید: هر کس که ایمان به قدر - چه خیر آن و چه شر آن - نداشته باشد، باید پروردگاری غیر از من را برگزیند.»

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۹.

۲. فراند السمطین، ج ۲، ص ۲۳۴ باب (۶: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳، الاذاعة، ص ۱۳۷؛ عقبالدرر، ص ۱۵۷.

در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند متعال: «الم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «متقین شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب نیز همان حجت غائب است، یعنی مهدی منتظر.^۱

در روایتی امام صادق علیه السلام یکی از مصادیق غیب را خروج مهدی علیه السلام در آخرالزمان ذکر می‌کند.

ب) نقل عبارات علمای اهل سنت

۱ - احمد بن محمد بن صدیق می‌گوید: «...فالایمان بخروجه واجب و اعتقاد ظهوره تصدیقاً لخبر الرسول محتم لازب كما هو مدون في عقائد أهل السنة و الجماعة من سائر المذاهب و مقرر في دفاتر علماء الامة علی اختلاف طبقاتها و المراتب...»^۲؛ ایمان به خروج مهدی واجب، و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله حتمی و ثابت است، همان گونه که در عقاید اهل سنت و جماعت از جمیع مذاهب اسلامی تدوین شده و نیز در دفاتر علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب آنان تقریر گردیده است.»

۲ - سفارینی حنبلی می‌گوید: «فالایمان بخروج المهدی واجب كما هو مقرر عند أهل العلم و مدون في عقائد أهل السنة و الجماعة»^۳؛ ایمان به

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴.

۲. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص ۴۳۳ - ۴۳۶.

۳. الاذاعة، ص ۱۴۶.

خروج مهدی واجب است، همان گونه که نزد اهل علم تقریر یافته و در عقائد اهل سنت و جماعت تدوین شده است.»

۳ - شیخ ناصرالدین البانی می‌گوید: «إِنَّ عَقِيدَةَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ ثَابِتَةٌ مُتَوَاتِرَةٌ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجِبُ الْإِيمَانُ بِهَا؛ لِأَنَّهَا مِنْ أُمُورِ الْغَيْبِ وَالْإِيمَانُ بِهَا مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ كَمَا قَالَ ﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ وَإِنَّ انْكَارَهَا لَا يَصْدُرُ إِلَّا مِنْ جَاهِلٍ مَّكَابِرٍ. أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَتُوفَّقَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهَا وَبِكُلِّ مَا صَحَّ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»؛^۱ «همانا عقیده به خروج مهدی عقیده‌ای است ثابت و متواتر از پیامبر اکرم ﷺ که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از امور غیب است که ایمان به آن در قرآن کریم از صفات پرهیزکاران شمرده شده است. خداوند می‌فرماید: «این کتاب، شک در آن نیست (و) راهنمای پرهیزکاران است. آن کسانی که به جهان غیب ایمان آوردند. همانا، انکار این عقیده، جز از فرد جاهل زورگو صادر نمی‌گردد. از خداوند متعال می‌طلبیم که ما را بر ایمان به این عقیده و به هر امری که به طور صحیح از کتاب و سنت ثابت شده بمیراند.»

۴ - استاد عبدالمحسن بن حمد العباد می‌گوید: «والتصديق بها داخل في الإيمان بأنَّ محمداً رسول الله ﷺ؛ لِأَنَّ مِنَ الْإِيمَانِ بِهِ تَصَدِيقَهُ فِيْمَا أَخْبَرَهُ، وَدَاخِلٌ فِي الْإِيمَانِ بِالْغَيْبِ الَّذِي أَمْتَدَحُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ بِهِ بِقَوْلِهِ: ﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾»؛^۲ «تصديق

۱. مجله التمدن الاسلامی، شماره ۲۲، ص ۶۴۳، چاپ دمشق.

۲. مجله الجماعة الاسلامیه، سال نخست شماره ۳، ذیقعدة ۱۳۸۸، چاپ حجاز.

و اعتقاد به قضیه مهدویت، داخل در ایمان به رسالت پیامبر اکرم ﷺ است؛ زیرا از آثار ایمان به پیامبر ﷺ تصدیق اوست در اموری که به آن‌ها خبر داده و نیز داخل در ایمان به غیبی است که خداوند متعال مؤمنین را به جهت ایمان به آن مدح کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «این کتاب، شک در آن نیست (و) راهنمای پرهیزکاران است؛ آنان که به غیب ایمان دارند و...»

مورد سوّم: اتفاق بر فراگیر بودن دعوت و حکومت او

یکی دیگر از موارد اتفاق در قضیه مهدویت، اتفاق بر فراگیر بودن دعوت و حکومت جهانی آن حضرت ﷺ است. آیات و روایات بسیاری بر این مسئله دلالت دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) دولت جهانی در قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛^۱ «ما بعد از ذکر [تورات] در زبور داوود نوشتیم که یقیناً بندگان نیکوکار من زمین را وارث و متصرف خواهند شد.» و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛^۲ «خداوند به کسانی از شما بندگان که (آنان را به خدا و حجت عصر) ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده است که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافت دهد.»

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. سوره نوره، آیه ۵۵.

الْحَقُّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۱؛ «او خدای است که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان جهان تسلط و برتری دهد.»

ب) دولت جهانی در روایات

۱- حاکم نیشابوری به سندش از ابو سعید خدری نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «تملاً الأرض جوراً و ظلماً فیخرج رجل من عترتی یملك الأرض سبعاً أو تسعاً فیملأ الأرض قسطاً و عدلاً»^۲؛ «زمین پر از ستم و ظلم می‌شود، در این هنگام شخصی از عترتم خروج می‌کند و مدت هفت یا نه روز مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

۲- و نیز احمد بن حنبل به سندش از ابو سعید خدری نقل کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «لا تقوم الساعة حتی تملاً الأرض ظلماً و عدواناً. قال: ثم یخرج رجل من عترتی من أهل بیتی یملاًها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و عدواناً»^۳؛ «قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمین پر از عدل و داد شود. فرمود: آن هنگام مردی از عترتم از اهل بیتم خروج کرده، زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: «یملك القائم ثلاثمائة سنة ویزداد تسعاً کما لبث أهل الکف فی کفهم؛ یملاً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»

۱. توبه، (۹)، آیه ۳۳.

۲. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۸؛ مستند احمد، ج ۲، ص ۳۸.

۳. مستند احمد، ج ۳، ص ۱۷؛ سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۵۲.

فیفتح الله له شرق الأرض و غربها. و یقتل الناس حتی لا یبقی إلا دین محمد. و یرسل بسیرة سلیمان بن داود و یدعو الشمس والقمر فیجیبانه و تطوی له الارض و یوحی الیه فیعمل بالوحی بأمر الله؛^۱ امام قائم ۳۰۹ سال مالک زمین شده در آن حکومت می‌کند همان مقدار که اهل کهف در غارشان درنگ کردند. آن‌گاه زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ آن‌گونه که پر از ظلم و جور شده است. پس خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح می‌کند. او مردم را می‌کشد تا تنها دین محمد (اسلام) بر روی زمین باقی بماند او به سیره سلیمان بن داود عمل می‌کند، خورشید و ماه را می‌خواند و آن دو نیز او را اجابت می‌کنند. زمین برای او به چرخش در می‌آید و بر او وحی می‌گردد و او نیز به امر خدا به وحی عمل می‌کند.»

مورد چهارم: اتفاق بر این که مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

با ملاحظه روایاتی که از طریق شیعه و سنی به دست ما رسیده است پی می‌بریم که یکی دیگر از موارد اتفاقی بین این دو فرقه در قضیه مهدویت، اتفاق در این است که مهدی موعود از اهل بیت و ذریه رسول گرامی اسلام است.

اینک به بعضی از روایات این باب اشاره می‌کنیم:

۱ - سعید بن مسیب می‌گوید: «کنا عند أم سلمة فتذاکرنا المهدی فقالت:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، باب ۲۷، حدیث ۲۱۲؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۴.

سمعت رسول الله ﷺ يقول: المهدى من عترتى من ولد فاطمة؛^۱ «نزد ام سلمه بودیم که سخن از مهدی به میان آمد. ام سلمه فرمود: از رسول خدا شنیدیم که می فرمود: مهدی از عترتم از اولاد فاطمه است.»

۲ - و نیز از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا فرمود: «لاتقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً وعدواناً. قال: ثم يخرج رجل من عترتى أو من أهل بيتى يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً»؛^۲ «قیامت برپا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شده باشد. فرمود: سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

۳ - امام باقر علیه السلام می فرماید: «المهدى رجل من ولد فاطمة»؛^۳ مهدی مردی از اولاد فاطمه است.»

۴ - ترمذی به سند خود از پیامبر اکرم نقل کرده است: «یلی رجل من أهل بيتى يواطى اسمه اسمى»؛^۴ «شخصی از اهل بیتم متولی کل زمین خواهد شد که نام او همانام من است.»

مورد پنجم: اتفاق بر این که لقب او «مهدی» است

برای امام زمان علیه السلام القاب و عناوین متعددی در روایات ذکر شده است ولی

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۶؛ تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۶.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۷۴، حدیث ۹۸۷؛ صحیح ابن حبان،

ج ۸، ص ۲۹۰ - ۲۹۱، حدیث ۶۸۷۴؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۳، حدیث ۳۲.

۴. جامع ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶.

یکی از القابی که مورد اتفاق بین شیعه و سنی است، لقب «مهدی» است. اینک به بعضی از روایات اشاره می‌کنیم:

۱. حاکم نیشابوری به سند خود از ابی سعید خدری نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «المهدی منّا أهل البيت...»^۱ «مهدی از ما اهل بیت است.»
۲. بخاری به سند خود از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «المهدی حق و هو من ولد فاطمة»^۲ «مهدی حق و او از اولاد فاطمه می‌باشد.»
۳. مقدسی شافعی به سند خود از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «یخرج المهدی، علی رأسه غمامة، فیها ینادی: هذا المهدی خلیفة رسول الله فاتبعوه»^۳ «مهدی خروج می‌کند در حالی که بالای سر او ابری است، در میان آن ابر کسی ندا می‌کند: این مهدی خلیفه خداست؛ او را اطاعت نمایید.»

مورد ششم: اتفاق در برخی از

اوصاف شخصی آن حضرت ﷺ

در بعضی از صفات شخصی آن حضرت نیز بین علمای اسلام اتفاق وجود دارد. از جمله در روایات می‌خوانیم:

۱. حاکم نیشابوری در مستدرک و دیگران از ابوسعید خدری روایت کرده‌اند

۱. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۲. تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۶؛ سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۰۷، حدیث ۴۲۸۴؛ الغیبة، شیخ طوسی (ره)، ص ۱۱۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، حدیث ۴۰۸۶.

۳. عقد الدرر، ص ۱۳۵، باب ۶؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۸۱، العطر الوردی، ص ۵۴.

که پیامبر ﷺ فرمود: «المهدی منی أجلی الجبهة، أقنی الأنف یملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و یملك سبع سنین»؛^۱ «مهدی از من است. پیشانی آشکار، بینی بلند است. زمین را از داد و عدل پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است و در مدت هفت سال صاحب زمین می‌شود.»

ابن کثیر در کتاب النهاية در شرح این حدیث می‌گوید: «أجلی الجبهة از جلی است به معنای کنار رفتن موی جلوسر از پیشانی و «أقنی الأنف» از «قنی» به معنای بلندی بینی است با تیزی طرف آن و منحنی بودن وسطش... انحنای در وسط بینی به حدی نیست که سیمای آن حضرت را مشوه جلوه دهد.»

مورد هفتم: اتفاق بر برخی از علائم ظهور

درباره قیام و ظهور امام زمان ﷺ در روایات فریقین به علایمی اشاره شده که بعضی از آن علائم مورد اتفاق شیعه و سنی است. اینک به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود:

الف) برپایی دولت اسلامی

از روایات اسلامی استفاده می‌شود که قبل از قیام حضرت مهدی ﷺ حکومتی اسلامی برپا خواهد شد که در واقع زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی ﷺ است:

۱. ابن ماجه به سند خود از رسول خدا نقل کرده که فرمود: «یخرج قوم من

۱. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷، سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۲۰۶؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۲۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۰۰، غایة المبرام، باب ۱۴۱، حدیث، ۴۷، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۰، حدیث ۳۹.

المشرق یوطئون للمهدی سلطانہ»؛^۱ «قومی از جانب مشرق زمین خروج می‌کنند که زمینه‌ساز سلطنت و حکومت مهدی خواهند بود.»

۲. احمد بن حنبل به سند خود از ثوبان نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «إذا رأیتم الرايات السود قد أقبلت من خراسان فأتوها و لو حبوا علی الثلج»؛^۲ «هرگاه پرچم‌های سیاه را مشاهده نمودید که از جانب خراسان به حرکت در آمده‌اند آن‌ها را همراهی کنید و لو با زانوهای بر روی برف.»

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «یخرج ناس من المشرق، فیوطئون للمهدی»؛^۳ «جماعتی از مشرق قیام کرده، زمینه‌ساز ظهور مهدی خواهند شد.»

۴. و نیز پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «تجیء الرايات السود من قبل المشرق كأن قلوبهم زبر الحديد، فمن سمع بهم فلیأتهم فیبایعهم و لو حبوا علی الثلج»؛^۴ «پرچم‌های سیاه از جانب مشرق خواهد آمد، گویا دل‌های آنان پاره‌های آهن است. پس هر کس که مطلع شود باید نزد آن‌ها بیاید و با آن‌ها بیعت کند؛ و لو با زانو روی برف.»

ب) برپایی دولت مخالف

یکی دیگر از علائم ظهور که مورد اتفاق فریقین است، برپایی دولتی قبل از قیام امام زمان عجل الله فرجه در بلاد شام است که رهبری آن را فردی از بنی‌امیه به نام

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۸؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸؛ کنز العمال، ج ۱۴، حدیث ۳۸۶۵۷

۲. مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۰۲؛ جامع الصغير، سیوطی، ج ۱، ص ۱۰۰، حدیث ۴۶۸

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷، باب ۱، حدیث ۳۱، حلیة الابرار، ج ۲، ص ۷۰۹، باب ۵۴، حدیث ۸۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۹۹، باب ۳۲، حدیث ۵۹

۴. عقد الدرر، ص ۱۲۹، باب ۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴، باب ۱

سفیانی بر عهده دارد. روایات در این باب از طریق شیعه و سنی به حد استفاضه رسیده است و نیز صحاح شش‌گانه اهل سنت بر این امر تأکید دارند که لشکر سفیانی به طرف مکه حرکت می‌کند تا نهضت و قیام امام مهدی علیه السلام را درهم بکوبد؛ زیرا از سیطره حضرت بر شهرهای حجاز مطلع می‌شود، در بین راه به منطقه بیداء که می‌رسد، او و لشکرش به زمین فروخواهند رفت.

۱. مسلم به سند خود از عایشه نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: سيعود بهذا البيت - یعنی مکه - قوم ليست لهم منعة ولا عدة، يبعث إليهم جيش حتى إذا كانوا ببیداء من الأرض خسف بهم؛^۱ به زودی جماعتی به مکه پناه می‌برند که برای آنان حفاظ و امکانات نیست و از طرف دیگر لشکری به سوی آن‌ها فرستاده می‌شود هنگامی که آن لشکر به سرزمین بیداء رسید، به زمین فرومی‌روند.»

۲. نعمانی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «للقائم خمس علامات: السفیانی...»^۲ برای قائم پنج علامت است: یکی از آن‌ها خروج سفیانی است.»

۳. علی بن محمد سمري توقیعی را از امام زمان نقل کرده که با آن غیبت صغرا به اتمام رسیده است، حضرت در آن توقیع می‌فرماید: «فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی والصیحة فهو كذاب مفتر»^۳ پس هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحة آسمانی ادعای مشاهده امام زمان کند، او دروغ‌گو و افترا زننده است.»

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۱، حدیث ۷. ۲. غیبت نعمانی، ص ۱۳۳.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۵، ص ۷.

۴. نعمانی به سند خود از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «... و یبعث السفیانی بعثاً إلى المدینة فینفی المهدی منها إلى مكة، فیبلغ أمير جيش السفیانی أن المهدی قد خرج إلى مكة، فبعث جيشاً علی أثره فلا یدرکه حتی یدخل مكة خائفاً یترقب علی سنة موسى بن عمران. قال: وینزل أمير جيش السفیانی البیداء، فینادی مناد من السماء: یا بیداء أبیدی القوم فیخسف بهم، فلا یفلت منهم إلا ثلاثة؛^۱» و سفیانی لشکری را به سوی مدینه می فرستد. حضرت مهدی علیه السلام از مدینه به سوی مکه کوچ می کند. خبیر به امیر لشکر سفیانی می رسد که مهدی به سوی مکه حرکت کرده است. لذا او لشکری را به دنبال حضرت می فرستد، ولی به حضرت نمی رسد مگر هنگامی که به مکه رسیده است در حالی که خائف و مراقب است همانند موسی بن عمران (که وارد مدین شد) آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود: و امیر لشکر سفیانی وارد سرزمین بیداء می شود و منادی از آسمان ندا می دهد: ای سرزمین بیداء، این قوم را در خود فرو بر! آن قوم در آن سرزمین زیر و رو خواهند شد و به جز سه نفر، کسی از آنها نجات نخواهد یافت.»

مورد هشتم: اتفاق بر اقتدای حضرت عیسی علیه السلام

به آن حضرت علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام نیز از آسمان فرود می آید و در نماز به امام زمان علیه السلام اقتدا خواهد نمود. اینک به برخی از روایات در این مورد اشاره می نمایم:

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۴۹.

۱. مسلم در صحیح و با سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: «لاتزال طائفة من أمتی علی الحق ظاهرين إلی یوم القيامة. قال: فینزل عیسی بن مریم فیقول أمیرهم: تعال صل فیقول: لا إن بعضکم علی بعض أمراء تکرمة الله هذه الأمة؛^۱ «دائماً طایفه‌ای از امتم بر حق و ظاهرند تا روز قیامت. سپس فرمود: عیسی بن مریم از آسمان فرود آید، امیر آن‌ها به حضرت عیسی می‌گوید: پیش‌آی و برای ما امامت کن. او در جواب می‌گوید: خیر، به راستی بعضی از شما بر بعضی دیگر امیر است به جهت اکرام خدا بر این امت.»

از این حدیث استفاده می‌شود که هنگام نزول حضرت عیسی ﷺ امام زمان ﷺ از او می‌خواهد که بر این امت، امامت جماعت کند. او نیز این تقاضا را به جهت احترام گذاشتن بر حضرت و امت اسلامی نمی‌پذیرد و امر امامت جماعت را به امام زمان ﷺ واگذار می‌کند.

۲. بخاری به سند خود از ابی هریره نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و إمامکم منکم؛^۲ چگونه‌اید زمانی که فرزند مریم فرود آمده در حالی که امام بر شما فردی از خودتان است؟»

۳. امام باقر ﷺ فرمود: «القائم منصور بالرعب، مؤید بالنصر، تطوی له الأرض، وتظهر له الکنوز، و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و ینظر الله عزوجل به دینه و لو کره المشرکون، فلا یبقی من الأرض خراب إلا عمر،

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ۱۳۷.

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵.

و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه؛^۱ «قائم به توسط ترس یاری و تأیید می‌گردد. زمین برای او خواهد چرخید و سلطنتش مشرق و مغرب عالم را فرا خواهد گرفت. خداوند عزوجل به واسطه او دینش را ظاهر می‌کند، هر چند مشرکان به آن کراهت داشته باشند. روی زمین جای خرابی نیست مگر آن که آباد شود و روح الله عیسی بن مریم فرود می‌آید و پشت سر او اقامه نماز خواهد کرد.»
 ۴. ابوسعید خدری از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود: «منا الذي يصلي عيسى بن مريم خلفه؛^۲ «از ماست کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می‌گذارد.»

مورد نهم: اتفاق بر اصلاح امر او در یک شب

روایات اسلامی بر این امر اتفاق کرده‌اند که خداوند متعال امر فرج آن حضرت را در یک شب اصلاح خواهد نمود، همان گونه که امر حضرت موسی علیه السلام را یک شب اصلاح کرد و او را به نبوت رسانید. اینک به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. احمد بن حنبل به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «المهدی منا اهل البيت، يصلحه الله في ليلة؛^۳ «مهدی از ما اهل بیت است. خداوند امر فرج او را در یک شب اصلاح خواهد کرد.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، حدیث ۲۴.

۲. عقد الدرر، ص ۲۵، باب ۱، جامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۴۶: کنز العمال، حدیث ۳۸۶۷۳.

۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، باب ۳۴، حدیث ۴۰۸۵.

۲. شیخ صدوق رحمته الله علیه به سند خود از امام حسین رحمته الله علیه نقل می‌کند که فرمود: «فی التاسع من ولدی سنّة من یوسف و سنّة من موسی بن عمران - علیهما السلام - و هو قائمنا أهل البيت، یصلح الله تبارک و تعالی امره فی لیلة واحدة؛^۱ در نهمین فرزند از اولاد من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران رحمته الله علیه است. و او قائم از ما اهل بیت است. خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد کرد.»

۳. نیز شیخ صدوق رحمته الله علیه به سند خود از امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب رحمته الله علیه نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: «المهدی منّا اهل البيت، یصلح الله امره فی لیلة؛^۲ مهدی از ما اهل بیت است. خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.»

مورد دهم: اتفاق بر بیعت کردن با او بین رکن و مقام

از جمله موارد اتفاقی بین امت اسلامی در قضیه مهدویت، اتفاق بر این نکته است که با حضرت هنگام ظهورش بین رکن و مقام بیعت خواهد شد. اینک به بعضی از روایات این باب اشاره می‌کنیم:

۱. مقدسی شافعی به سند خود از حذیفة بن یمان روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «یبایع له الناس بین الرکن و المقام، یرد الله به الدین و یفتح له فتوح، فلا یبقی علی وجه الأرض إلا من

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، حدیث ۱. ۲. همان، ج ۱، ص ۵۲، باب ۶، حدیث ۱۵.

يقول: لا اله الا الله؛^۱ «مردم با حضرت بین رکن و مقام بیعت می کنند. خداوند به سبب او دین را به جایگاه اصلی خود بر می گرداند و برای او فتوحاتی انجام خواهد داد. بر روی زمین کسی باقی نمی ماند مگر آنکه قائل به لا اله الا الله است.»

۲. پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی فرمود: «... والله يا بني هلال مهدى هذه الأمة الذي يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و الله إني لأعرف جميع من يبایعه بين الركن و المقام و أعرف أسماء الجميع و قبائلهم»؛^۲ «به خدا سوگند، ای فرزندان هلال، مهدی این امت کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده است. به خدا سوگند، تمام کسانی را که با او بین رکن و مقام بیعت می کنند می شناسم و نام های تمام آن ها و قبایل آن ها را می دانم.»

مورد یازدهم: اتفاق بر این که عالم را پر از عدل و داد می کند

احادیث بسیار در متون اسلامی شیعی و سنی بر این امر اتفاق دارند که امام زمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، بعد از ظهور خود زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. اینک به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

۱. عقد الدرر، ص ۲۲۲، باب ۹؛ فرائد الفکر، ص ۹، باب ۴.
 ۲. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۰۳، غیبت نعمانی، ص ۸۱، باب ۴، حدیث ۱۰، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۵۱۲، باب ۹.

۱. ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: «لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً و عدواناً. قال: ثم يخرج رجل من عترتي أو من أهل بيتي يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً»؛^۱ «قیامت برپا نمی‌شود تا این‌که زمین پر از ظلم و ستم گردد. سپس فرمود آن‌گاه شخصی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] خروج کرده، زمین را از داد و عدل پر خواهد کرد، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»

۲. مجلسی رحمته الله در بحار الانوار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «لتملأن الأرض ظلماً و عدواناً، ثم ليخرجن من أهل بيتي أو قال من عترتي، من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً»^۲ به راستی زمین پر از ظلم و جور خواهد شد، آن‌گاه شخصی از اهل بیتم - یا فرمود: از عترتم - خروج می‌کند؛ کسی که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.»

۳. ابوداود به سند خود از امام علی رضی الله عنه نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لو لم يبق من الدهر إلا يوم لبعث الله رجلاً من أهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً»^۳ اگر از عمر زمین بیش از یک روز باقی نمانده باشد خداوند مردی از اهل بیتم را برمی‌انگیزاند تا زمین را پر از عدل کند، آن‌گونه که پر از جور شده است.»

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷؛ صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲، باب ۱، حدیث ۲۲.

۳. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۹۹، مصنف ابن ابی شیبہ، باب ۳۲۱.

۴/ شیخ طوسی رحمته الله در حدیثی طولانی، به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «یظهر صاحبنا و هو من صلب هذا - و اوماً بیده الی موسی بن جعفر علیه السلام - و یملاها عدلاً، کما ملئت جوراً و ظلماً؛^۱ صاحب ما ظهور می‌کند، در حالی که از نسل این شخص است - حضرت علیه السلام با دست مبارک خود به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام اشاره کرد - آن‌گاه زمین را پراز عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پراز جور و ظلم شده باشد.»

مورد دوازدهم: اتفاق بر توسعه اقتصادی در عصر ظهور

با مراجعه به روایات فریقین در می‌یابیم که در عصر ظهور امام زمان علیه السلام، توسعه و رفاه اقتصادی مطلوبی ایجاد خواهد شد؛ به حدی که بشر مانند آن را در طول تاریخ کره زمین به خود ندیده است. و این به برکت حکومت عدل توحیدی امام زمان علیه السلام است. از این روایات استفاده می‌شود که گناه موجب فقر و فلاکت و در مقابل، عدالت و رستگاری و اطاعت از دستورهای خدا و پیاده کردن فرمان‌های الهی در روی زمین و دعای حضرت و حضور حجت خدا در میان مردم، سبب وسعت برکت در روی زمین خواهد شد. اکنون به برخی از این گونه روایات اشاره می‌کنیم:

۱. ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «تنعم أمتی فی زمن المهدي نعمة لم یعموا مثلها قط، ترسل السماء علیهم مدراراً، و لا تدع الأرض شیئاً من النبات إلا أخرجته و المال کدوس. یقوم الرجل فیقول: یا مهدي أعطني و فیقول خذ؛^۲ اتمم در زمان ظهور مهدی مستنعم به

۱. غیبت طوسی رحمته الله، ص ۲۸: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۴۱، باب ۲۴.

۲. عقد الدرر، ص ۱۴۴ - ۱۴۵، باب ۷، القول المختصر، ص ۵، باب ۱، حدیث ۱۰، الاذاعة، ص

۱۲۵: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳: کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳.

نعمتی می‌شوند که هرگز از مانند آن برخوردار نبودند. آسمان برای آن‌ها آب فراوان خواهد فرستاد و زمین از هیچ گیاهی برای آنان فروگذار نخواهد کرد، اموال متراکم می‌شود. [مثلاً] شخصی بر می‌خیزد و به آن حضرت عرض می‌کند: ای مهدی، به من عنایت کن. حضرت علیه السلام نیز به او می‌فرماید: بگیر.

۲. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «یخرج فی آخر الزمان خلیفة، یعطی المال بغير عدد»؛^۱ «در آخر الزمان خلیفه‌ای خروج خواهد کرد که بدون شمارش به مردم مال عطا می‌کند».

۳. بخاری به سند خود از ابی موسی نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لیأتین علی الناس زمان یتوف الرجل فیه بالصدقة من الذهب، ثم لا یجد أحداً یاخذها»؛^۲ «به طور حتم بر مردم زمانی خواهد آمد که شخصی مالدار صدقه‌ای از طلا را به دست گرفته، بین مردم می‌گردد تا مستحقی را پیدا کند و به او بدهد، ولی کسی را پیدا نمی‌کند که صدقه را از او بگیرد».

۴. مسلم به سند خود از ابی هریره نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «والله لینزلن ابن مریم... لیدعون الی المال فلا یقبله أحد»؛^۳ «به خدا سوگند که فرزند مریم از آسمان پایین آمده... مردم به مال دعوت می‌شوند، ولی هیچ کس آن را قبول نمی‌کند».

۵. شیخ صدوق به سند خود از مفضل بن عمر نقل کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «ان قاتمنا اذا قام اشرق الارض بنور ربها».

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۳۲۲، باب ۱۸، حدیث ۲۹۱۳؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۸، باب ۱، حدیث ۲۵.

۲. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۱۴؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۸۴ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۲۲، ح ۳۸۴۸۳.

۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.

و تظهر الأرض كنوزها حتى يراها الناس على وجهها و يطلب الرجل منكم من يصله بماله و يأخذ منه زكاته، فلا يجد أحداً يقبل منه ذلك، استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله؛^۱ به راستی قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش نور افشان خواهد شد... و زمین گنج‌های خود را ظاهر کرده، مردم آن‌ها را بر روی زمین خواهند دید. شخصی از شما دنبال کسی می‌گردد که به او صله کرده، زکات مالش را از او بپذیرد، ولی هیچ کس را نمی‌یابد که آن مال را از او قبول کند؛ زیرا خداوند متعال مردم را به آنچه به آن‌ها روزی داده بی‌نیاز کرده است.»

مهدویت و مؤلفان فریقین

بسیاری از علمای شیعه و سنی به طور مستقل دربارهٔ قضیهٔ مهدویت، در گذشته و حال، تألیفاتی گرانسنگ از خود به جای گذاشته‌اند که در این کتاب به نام برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف - تألیفات اهل سنت

۱. عباد بن یعقوب رواجنی، متوفای ۲۵۰ق، صاحب کتاب أخبار المهدی.^۲
۲. أبوبکر بن أبی خیثمه، متوفای ۲۷۹ق. سهیلی می‌گوید: «احادیث وارد در امر مهدی علیه السلام بسیار است و أبوبکر بن أبی خیثمه آن را در کتابی جمع نموده است».^۳
۳. أبوالحسین أحمد بن جعفر منادی متوفای ۳۳۶ق. ابن حجر در شرح

۱. کمال الدین، ص ۳۳۰، ج ۱۶.

۲. المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة، دکتر بستوی، ص ۳۰.

۳. الروض الأنف، سهیلی، ج ۱، ص ۶۰.

احادیث دوازده خلیفه، به نقل از کتاب کشف المشکل می گوید: «ابن المنادی این مطلب را در کتابی که درباره حضرت مهدی نوشته، آورده است.»^۱

۴. ابونعیم أحمد بن عبدالله اصفهانی، (متوفای ۴۳۰ق)، صاحب کتاب گرانسنگ المهدی.^۲

۵. محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ق، صاحب کتاب البیان بأخبار صاحب الزمان.

۶. یوسف بن یحیی سلمی شافعی، متوفای ق ۶۸۵ صاحب کتاب عقد الدرر فی أخبار المهدی المنتظر.

۷. ابن قیم جوزیه، (متوفای ۷۵۱ق) صاحب کتاب المهدی.

۸. ابن کثیر قرشی، (متوفای ۷۷۴ق)، صاحب کتاب مستقل در احادیث حضرت مهدی علیه السلام.^۳

۹. شمس الدین محمد بن عبدالرحیم سخاوی، (متوفای ۹۰۲ق)، صاحب کتاب ارتقاء العرف.

۱۰. جلال الدین سیوطی، (متوفای ۹۱۱ق) صاحب کتاب العرف الوردی من

أخبار المهدی.

۱۱. ابن کمال یاشا حنفی، (متوفای ۹۴۰ق)، صاحب کتاب تلخیص البیان

فی علامات مهدی آخر الزمان.

۱۲. محمد بن طولون دمشقی (متوفای ۹۵۳ق) صاحب کتاب المهدی إلى

۲. المهدی المنتظر، بستوی، ص ۱۲۷.

۱. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۱۲.

۳. البداية والنهاية، ج ۶، ص ۲۴۸.

ماورد فی المهدی.

۱۳. أحمد بن حجر هیثمی مکی، (متوفای ۹۷۴ق)، صاحب کتاب القول

المختصر فی علامات المهدی المنتظر.

۱۴. علی بن حسام الدین متقی هندی، (متوفای ۹۷۵ق) صاحب کتاب

البرهان فی علامات آخر الزمان.

۱۵. ملا علی بن سلطان قاری حنفی، (متوفای ۱۰۱۴ق)، صاحب کتاب

المهدی من آل الرسول ﷺ.

۱۶. مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (متوفای ۱۰۳۳ق) صاحب

کتاب فرائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر علیه السلام.

۱۷. محمد بن اسماعیل امیر صنعانی، (متوفای ۱۱۸۲ق). صدیق حسن

خان می گوید: «سید علامه بدر الملّه، منیر محمد بن اسماعیل امیر صنعانی

یمانی؛ او احادیثی را که دلالت بر خروج مهدی دارد در مجموعه‌ای جمع کرده

است؛ آن مهدی که از آل محمد علیهم السلام است و در آخر الزمان ظهور خواهد نمود»^۱

۱۸. قاضی محمد بن علی شوکانی، (متوفای ۱۲۵۰ق)، صاحب کتاب

التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح.^۲

۱۹. شهاب الدین أحمد بن أحمد بن اسماعیل حلوانی شافعی، (متوفای

۳۰۸ق) صاحب کتاب القطر الشهدی فی أوصاف المهدی.

۲۰. محمد بن محمد بن أحمد حسینی بلیسی، صاحب کتاب العطر الوردی

من شرح القطر الوردی فی أوصاف المهدی.

۱. الاذاعة صدیق حسن خان، ص ۱۱۳. ۲. همان، ص ۱۱۴.

٢١. ابوالعلاء ادريس بن محمد بن ادريس حسيني عراقي، صاحب كتاب التاليف في المهدي.

٢٢. شيخ مصطفى البكري، صاحب كتاب الهداية النديّة للأمة المهديّة.

٢٣. محمد بن عبدالعزيز بن مانع صاحب كتاب تحديق النظر في اخبار الامام المنتظر.

٢٤. شيخ ولايت الله صادقيوري هندي، صاحب كتاب الأربعين في اخبار المهديين.

٢٥. حنيف الدين عبدالرحمن المرشدي، صاحب كتاب تلخيص البيان في علامات مهدي آخر الزمان.

٢٦. رشيد راشد تاذفي حلي، صاحب كتاب تنوير الرجال في ظهور المهدي والدجال.

٢٧. احمد بن محمد بن صديق، صاحب كتاب إبراز الوهم المكنون من كلام ابن خلدون.

٢٨. عبدالمحسن بن حمد العباد، نايب رئيس دانشگاه اسلامي در مدينة منوره، صاحب كتاب عقيدة أهل السنة والأثر في المهدي المنتظر.

او در كتاب خود مي نويسد: « كما اعتنى علماء هذه الأمة بجمع الاحاديث الواردة عن نبيهم ﷺ تأليفاً و شرحاً كان لأحاديث المتعلقة بأمر المهدي قسطها الكبير من هذه العناية، فمنهم من أدرجها ضمن المؤلفات العامة كما في السنن و المسانيد و غيرها و منهم من أفردها بالتاليف... كل ذلك حصل منهم - رحمهم الله و جزاهم خيراً - حماية لهذا الدين و قياماً بما يجب من

النصح للمسلمین»؛^۱ «همان گونه که علمای این امت به جمع احادیث وارد از پیامبرشان ﷺ و تألیف و شرح آن‌ها اهمیت فراوانی داده‌اند، احادیث متعلق به امر مهدی نیز قسمت بسیاری از این مؤلفات را در بر گرفته است. عده‌ای از علما این احادیث را ضمن تألیفات عمومی خود، همانند سنن و مسائید و غیر این‌ها آورده‌اند و عده‌ای دیگر نیز برای احادیث مهدی تألیفی مستقل داشته‌اند. تمام این کارها - که خداوند آن‌ها را رحمت کند و جزای خیر دهد - به جهت حمایت از دین، و قیام و عمل به تکلیف واجب نصیحت و ارشاد مسلمانان بوده است.»

رد علمای اهل سنت بر منکران مهدویت

شمار اندکی از علمای اهل سنت در صدد تشکیک در قضیه مهدویت برآمده و مطالبی در این باره در کتاب‌های مستقل یا ضمن مباحث دیگر متذکر شده‌اند. ولی خوشبختانه بقیه علمای اهل سنت با بیداری و شعوری که داشته‌اند در مقابل آنان ایستاده و شدیداً با بحث و سخنرانی و تألیف کتاب به شبهات آن‌ها پاسخ گفته‌اند.

اینک به برخی از کسانی که در رد منکران قضیه مهدویت کتاب مستقل تألیف کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

۱. ابوالفیض سید احمد بن محمد بن صدیق غماری شافعی ازهری مغربی، متوفای ۱۳۸۰ ق، صاحب کتاب ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، چاپ دمشق.

۱. عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر، ص ۱۶.

۲. شیخ محمود بن عبدالله تویجری از استادان دانشگاه اسلامی در مدینه منوره، صاحب کتاب الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر، در رد شیخ ابن محمود، قاضی قطر.

۳. شیخ عبدالله سبیتی عراقی، صاحب کتاب إلی مشیخة الأزهر در رد کتاب المهدیة فی الاسلام، اثر سعد محمد حسن، که از منکران مهدویت است.

۴. محمد بن عبدالعزیز بن مانع، (متوفای ۱۳۸۵ق) صاحب کتاب تحديد النظر فی أخبار الإمام المنتظر در اثبات امام مهدی علیه السلام و ظهورش و در رد ابن خلدون.
۵. کتاب الجزم لفصل ابن حزم در رد ابن حزم اندلسی که بخشی از کتاب الفصل فی الملل والأهواء والنحل را به انکار و تکذیب احادیث مربوط به امام زمان علیه السلام اختصاص داده است.

۶. عبدالمحسن بن حمد العباد، استاد دانشگاه مدینه منوره و عضو هیأت علمی آن دانشگاه، صاحب کتاب الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی، در رد کتاب لامهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر از شیخ آل محمود قطری.

۷. أبو العباس بن عبدالؤمن مغربی، صاحب کتاب الوهم المکتون فی الرد علی ابن خلدون.

ب - تألیفات علمای شیعه قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام

۱. کتاب الملاحم، از اسماعیل بن مهران سکونی، کوفی، ثقه، از اصحاب امام رضا علیه السلام.^۱

۱. رجال نجاشی، ص ۲۶؛ فهرست طوسی (ره)، ص ۱۱.

۲. کتاب ما سئل عن الصادق علیه السلام من الملاحم، از علی بن یقطین بغدادی، ثقه، جلیل، متوفای سال ۱۸۲ ق.^۱
۳. کتاب الملاحم، از ابراهیم بن حکم فزازی که فضل بن شاذان از او روایت می‌کند.^۲
۴. کتاب الملاحم، از احمد بن میثم، فقیه کوفی، ثقه.^۳
۵. کتاب الملاحم، از حسن بن علی بن فضال کوفی، از خواص اصحاب امام رضا علیه السلام.^۴
۶. کتاب الملاحم، از حسین بن سعید بن حماد اهوازی، ثقه، عالم، از اصحاب امام رضا علیه السلام.^۵
۷. کتاب الغیبه، از ابی الفضل عباس بن هاشم ناشری اسدی، ثقه، جلیل متوفای سال ۲۱۹ یا ۲۲۰ ه.^۶
۸. کتاب الملاحم، از ابی محمد بن ابی عمیر ازدی بغدادی، متوفای سال ۲۱۷ ق.^۷
۹. کتاب القائم، از ابی الحسن علی بن مهزیار اهوازی که از امام رضا و امام جواد علیهما السلام روایت نقل می‌کند.^۸
۱۰. کتاب الغیبه، از ابی اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی، ثقه

۱. فهرست طوسی، ص ۹۱، رقم ۳۷۸. ۲. رجال نجاشی، ص ۱۵.
 ۳. فهرست طوسی، ص ۲۵ و ۲۶، رقم ۶۷. ۴. رجال نجاشی، ص ۳۴، رقم ۷۲.
 ۵. رجال نجاشی، ص ۵۸، رقم ۱۳۷؛ فهرست طوسی، ص ۵۳، رقم ۱۸۶.
 ۶. رجال نجاشی، ص ۲۸، رقم ۷۴۱. ۷. همان، ص ۳۲۶ و ۳۲۷، رقم ۸۸۷.
 ۸. رجال نجاشی، ص ۲۵۳، رقم ۶۶۴.

و از اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام که تنها کتاب باقی مانده از او همین کتاب است.^۱

۱۱. کتاب الملاحم از ابی جعفر محمد بن عبدالله کرخی که برقی از او روایت نقل می‌کند.^۲

۱۲. کتاب الحجة از فضل بن شاذان ازدی، ثقه، جلیل القدر، از اصحاب امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری علیهم السلام متوفای سال ۲۶۰ هـ.^۳

۱۳. کتاب القائم، از فضل بن شاذان.^۴

۱۴. کتاب الملاحم، از فضل بن شاذان.^۵

۱۵. کتاب صاحب الزمان، از محمد بن حسن بن جمهور بصری، از راویان امام رضا علیه السلام.^۶

۱۶. از ایشان کتاب دیگری در قضیه مهدویت به نام وقت خروج القائم ثبت شده است.^۷

پس از ولادت امام زمان علیه السلام نیز کتاب‌های بسیاری در مورد مهدویت نگاشته شده است که نیازمند کتاب‌شناسی تفصیلی و گسترده‌ای است.

۱. همان، ص ۱۵، رقم ۱۳؛ فهرست طوسی علیه السلام، ص ۳، رقم ۲.

۲. همان، ص ۳۵۰، رقم ۹۴۲. ۳. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۵، ۳۷۲.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۱ و ۳. ۵. همان، ج ۲۲، ص ۱۸۹.

۶. فهرست طوسی علیه السلام، ص ۱۶۴، رقم ۱۱۵. ۷. الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۳۴.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

- ۱- قرآن کریم (وزیری، بی. جی)
- ۲- کلیات مفاتیح الجنان (وزیری، جی)
- ۳- منتخب مفاتیح الجنان (جی)
- ۴- نهج البلاغه (وزیری، جی)
- ۵- صحیفه سجادیه
- ۶- ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام
- ۷- آئینه اسرار
- ۸- آثار گناه در زندگی و راه جبران
- ۹- آخرین پناه
- ۱۰- آخرین خورشید پیدا
- ۱۱- آشنایی با چهارده معصوم (در)
- ۱۲- آقا شیخ مرتضی زاهد
- ۱۳- آیین انتظار (مختصر مکالمات)
- ۱۴- ارتباط با خدا
- ۱۵- از زلال ولایت
- ۱۶- اسلام شناسی و پاسخ به شبهات
- ۱۷- امامت، غیبت، ظهور
- ۱۸- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام
- ۱۹- امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق
- ۲۰- امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیها السلام (در)
- ۲۱- امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان
- ۲۲- امام شناسی و پاسخ به شبهات
- ۲۳- انتظار بهار و باران
- ۲۴- انتظار و انسان معاصر
- ۲۵- اهمیت اذان و اقامه
- ۲۶- یا اولین امام در آخرین پیام
- ۲۷- بامداد بشریت
- ۲۸- بهتر از بهار / کودک
- ۲۹- پرچمدار نینوا
- ۳۰- پرچم هدایت
- ۳۱- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی
- ۳۲- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داری
- ۳۳- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیتها و ارتداد
- ۳۴- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن
- ۳۵- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی
- ۳۶- تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد
- ۳۷- تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد
- ۳۸- تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)
- ۳۹- تاریخ سیدالشهداء علیه السلام
- ۴۰- تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام
- ۴۱- تشریف یافتگان (چهار نفر)
- ۴۲- جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام
- ۴۳- چهارده گفتار / (از زبان معوی با حضرت مهدی علیه السلام)
- ۴۴- چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام
- ۴۵- چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
- ۴۶- حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت
- ۴۷- حکمت های جاوید
- ۴۸- ختم سوره های پس و واقعه
- ۴۹- خزائن الأشعار (مجموعه اشعار)
- ۵۰- خورشید غایب (مختصر نغمه لایلی)
- ۵۱- خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)
- ۵۲- دار السلام
- ۵۳- داستان هایی از امام زمان علیه السلام
- ۵۴- داغ شقایق (مجموعه اشعار)
- ۵۵- در انتظار منجی (روسی)

- ۵۶- در جستجوی نور
- ۵۷- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نسی المهر)
- ۵۸- دفاع از حریم امامت و ولایت ایضاً (مجموعه بیست و یک کتاب)
- ۵۹- دلشده در حسرت دیدار دوست
- ۶۰- دین و آزادی
- ۶۱- رجعت یا حیات دوباره
- ۶۲- رسول ترک
- ۶۳- روزنه‌هایی از عالم غیب
- ۶۴- زیارت ناحیه مقدسه
- ۶۵- سحاب رحمت
- ۶۶- سخنرانی مراجع در مسجد چمکران
- ۶۷- سرود سرخ انار
- ۶۸- سقا خود تشنه دیدار
- ۶۹- سلفی‌گری (و هابیت) و پاسخ به شبهات
- ۷۰- سیاحت غرب
- ۷۱- سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی
- ۷۲- سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (درجندی)
- ۷۳- سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی
- ۷۴- شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه النور الطالع)
- ۷۵- شمس وراء السحاب / عربی
- ۷۶- صبح فرا می‌رسد
- ۷۷- ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۷۸- عاشورا تجلی دوستی و دشمنی
- ۷۹- عریضه نویسی
- ۸۰- عطر سبب
- ۸۱- عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی
- ۸۲- علی علیه السلام مروارید ولایت
- ۸۳- علی علیه السلام و پایان تاریخ
- ۸۴- غدیر خم (روسی، آذری لاتین)
- ۸۵- غدیرشناسی و پاسخ به شبهات
- ۸۶- فتنه و هابیت
- ۸۷- فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام
- ۸۸- فریادرس
- ۸۹- فرهنگ اخلاق
- ۹۰- فرهنگ تربیت
- ۹۱- فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (چین)
- ۹۲- فوز اکبر
- ۹۳- فریادرس
- ۹۴- قصه‌های تربیتی
- ۹۵- کرامات المهدی علیه السلام
- ۹۶- کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام
- ۹۷- کمال الدین و تمام النعمة (درجندی)
- ۹۸- کهکشان راه نیلی (مجموعه انعام)
- ۹۹- گردی از رهگذر دوست (مجموعه انعام)
- ۱۰۰- گفتمان مهدویت
- ۱۰۱- گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
- ۱۰۲- نام فضیلت‌ها
- ۱۰۳- مشکاة الانوار
- ۱۰۴- مفرد مذکر غائب
- ۱۰۵- مکیال المکارم (درجندی)
- ۱۰۶- منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ
- ۱۰۷- منجی موعود از منظر نهج البلاغه
- ۱۰۸- منشور نینوا
- ۱۰۹- موعودشناسی و پاسخ به شبهات
- ۱۱۰- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
- ۱۱۱- مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
- ۱۱۲- مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بهار، در چند
- ۱۱۳- مهربان‌تر از مادر / نوجوان
- ۱۱۴- مهر بیکران
- ۱۱۵- میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
- ۱۱۶- ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، یونانی)
- ۱۱۷- نجم الثاقب
- ۱۱۸- نجم الثاقب (درجندی)
- ۱۱۹- ندای ولایت

- ۱۲۰ - نشانه‌های ظهور او
- ۱۲۱ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار
- ۱۲۲ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات
- ۱۲۳ - نماز شب
- ۱۲۴ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام
- ۱۲۵ - و آن که دیرتر آمد
- ۱۲۶ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات
- ۱۲۷ - وظایف منتظران
- ۱۲۸ - ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام
- ۱۲۹ - هدیه احمدیه / امی / نیچری
- ۱۳۰ - همراه با مهدی منتظر
- ۱۳۱ - یاد مهدی علیه السلام
- ۱۳۲ - یار غائب از نظر مجموعه اشعار
- ۱۳۳ - پنابیع الحکمة / عربی - پنج جلد

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره
تلفن‌های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.
کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱ - ۶۲۸۰۶۷۱ - ۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدونکار: ۰۱۲۲ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۱۴